

پویشت

سال دوم شماره ۲۲

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران (هانوفر)

ملاحظات بر انتخابات "شوراهای مشورتی خارجیان"

۷

کارکنان انگلیس در همبستگی با کارگران ایران

محکومیت جمهوری اسلامی توسط دو تشکل اتحادیه‌ای

اخیراً با تلاش و روشنگریهای رفقای متشکل در انجمن کارگران پناهنده ایرانی در انگلستان، دو تشکل اتحادیه‌ای اقدامات ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرده‌اند.

این دو تشکل عبارتند از: انجمن ملی و منطقه‌ای کارمندان دولتی شه — نیوکاسل و کنفرانس زنان انجمن ملی و منطقه‌ای کارمندان دولتی (NALGO) هر دو تشکل مذکور وجود شرایط خفقان و سرکوب در ایران، دستگیری و اعدام کارگران را محکوم نموده و خواستار حق تشکل برای کارگران ایران شدند.

۷

"روشنفکران" دروغین و رشده آگاهی کارگران

یکی از سرگرمیهای برخی از محافل "روشنفکران در تبعید" ایرانی تحقیر مردم و بویژه کارگران ایرانی است. این "روشنفکران" از بی فرهنگی و بی پرستی کارگران ایران می‌نالند، از ناآگاهی و بی سوادی مردم شکوه می‌کنند، به زعم ایشان مردم ایران به يك ديكتاتور احتیاج دارند که هدایتشان بکند و...

کار به جایی رسیده که گاه افرادی به خود جرأت می‌دهند و وجود مبارزه و اعتراض کارگری در ایران را منکر می‌شوند و ادعا می‌کنند که "هر کس هر طور بخواهد می‌تواند از مردم و کارگران ایران سواری بکشد."

۲

اخبار

۲۰

درصفحات دیگر:

* آشنایی با برخی جنبه‌های طرح بازار داخلی اروپا

۱۱ * سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر

۴

* اعترافات کارگزاران جمهوری اسلامی

۲۱ * اعتبار ۲۰۰۰ کارگر شرکت کشت و صنعت کارون

۳

* برگزاری جلسه اطلاعاتی درباره مبارزات کارگران ایران

۱۶ * فعالیت ما در حمایت از پناهندگان ایرانی

۹

در پاکستان و ترکیه

* دعوت کنکره حزب سبزها از نماینده ما

۱۶

تشدید اختلافات بالائی‌ها

مطبوعات دولتی خبر می‌دهند که عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به اتفاق حجت السلام حسین هاشمیان نایب رئیس دوم مجلس با "مراجع تقلید" در قسم از جمله منتظری دیدار کردند. دیدار نمایندگان به خاطر ارائه گزارش کنفرانس حمایت از فلسطین که اوایل مهر در تهران برگزار شده بوده است.

پس از این دیدار حسین هاشمیان به دادگاه ویژه روحانیت احضار گردید. این اولین بار نیست که دادگاه ویژه روحانیت نمایندگان "جناح تندرو" را - احضار می‌کند قبلاً هم صالح آبادی نماینده مشهد و خلخال و محتشمی از طریق همین نهاد احضار گردیده بودند.

دو ماه قبل بود که موسویان مسئول روزنامه خراسان (وابسته به بنیادشهادت) در دادگاه ویژه روحانیت محکوم شد و به شهر قم تبعید گردید. نامبرده به مدت ۲ سال حق ندارد کار مطبوعاتی کند.

۸

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب

"روشنفکران" دروغین و رشد آگاهی کارگران

و از سویی با مشکل درمان که عامل اصلی آن سازمان تأمین اجتماعی است ، روبرو می‌باشیم. ۰۰۰ من نمی‌دانم هیچ مسئولی نیست که به عملکرد این سازمان عریض و طویل رسیدگی کند؟ چرا؟ مگر این پولی که نزد سازمان تأمین اجتماعی است ، از روی هوا آمده که هر جا دلشان خواست خرج کنند و وام‌های کلان به نور چشمی‌هایشان بدهند. آنگاه کارگر بی سرپناه حتی به شام شب هم محتاج باشد و پیش زن و بچش خجالت بکشد. ۰۰۰ مسئول هستید که باشید. مگر شما از ما بیشتر کار می‌کنید و یا از ما بیشتر زحمت می‌کشید که در ناز و نعمت زندگی می‌کنید و بجهایتان هر روز يك دست لباس می‌پوشند آنوقت بجهای ما در سرمای زمستان بدون لباس گرم باید زندگی کنند. شاید هم این عدالت اجتماعی است که شما نویدش را می‌دادید. ۰۰۰"

کارگر دیگری با انتقاد از گرانی و سستی که به کارگران روا می‌شود، مسئولین جمهوری اسلامی را به محاکمه کشیده و با ایشان تعیین تکلیف می‌کند:

" چرا مسئولین نظام جمهوری اسلامی هیچ توجهی به وضعیت زندگی مردم محروم نمی‌کنند؟ مگر آنها خودشان در این مملکت زندگی نمی‌کنند و یا از بازار این کشور ارزاق تهیه نمی‌کنند؟ پس چطور هیچ عکس العملی نشان نمی‌دهند و براحتی اجازه می‌دهند که سرمایه دارها و بازار هر بلایی که دوست دارند بر سر مردم محروم بیاورند؟ و یا شاید مسئولین اصلاً از گرانی‌ها و درد مردم مطلع نیستند که اگر واقعاً نباشند آنوقت است که ما خودمان باید فکری به حال این ناسامانها بکنیم."

کارگر دیگری ضمن توضیح شرایط زیست خود و خانوادش آگاهی سیاسی طبقاتی خویش را بدینگونه بروز می‌دهد:

" هشت سال سابقه کار دارم و ۹ هزار تومان دریافت می‌کنم و ۹ سر عائله دارم که چهار نفر آن نان شب آموز هستند. ۰۰۰ من نمی‌دانم باید به چه کاری دست بزنم که بتوانم شکم زن و بچم را سیر کنم. هر چه هم فکر می‌کنم هیچ گاهی به درگاه خداوند نگردهم جز اینکه کارگر شدم و شرافتمندانه کار و تولید می‌کنم که چنان مستوجب بی‌توجهی بشوم. آقا به خدا ما کارگران راه نزدی را بلد نیستیم والا مانسند آقایان صاحب مال و منال بودیم و الان هم اینجا نبودیم که نتوانیم در سال يك كيلو ميوه برای بچه هایمان بخریم. شما از قول ما به مسئولین بگوئید این نشد خدمت کردن به جامعه. ۰۰۰"

در نقل قول‌های بالا می‌بایستی دو نکته را در نظر داشته باشیم: اولاً کارگران در حال گفتگو با خبرنگاران ارگان سراسری خانه کارگر جمهوری اسلامی یعنی دستجات جاسوسی و سرکوب در کارخانه‌ها هستند و روشن است که نمی‌توانند و نباید تمامی اعتراض خویش را به وضعیت موجود ابراز کنند. جو اعتراض و مبارزه جوی قطعی در محافل کارگران پیشرو ، هنگامی که کارگران با یکدیگر صحبت می‌کنند و یا زمانی که مشغول سازماندهی يك مبارزه دستجمعی هستند به مراتب بیشتر است. با اینحال بی‌فایده نیست از "روشنفکران" مورد نظر پرسیم کدامشان در شرایط ایران جرأت داشتند در مواجهه با ارگانهای رژیم بیکوارم آنچه که کارگران در مصاحبه‌شان گفتند ، بزبان بیاورند؟

ثانیاً این صاحب به تعدادی از کارگران کوره یز خانه ها صورت گرفته و کارگران کوره یز خانه جزو بخش پیشرو طبقه کارگر محسوب نمی‌شوند. با اینحال روشن بینی سیاسی و آگاهی طبقاتی را در يك تك جملات ایشان

از نظر سیاسی، تبلیغات آنها در خدمت مشروعیت بخشیدن و تظهير استثمار و ستم و دیکتاتوری و خفقان در ایران است. چرا که اگر مردم ایران عقب مانده‌اند و به يك دیکتاتور نیاز دارند که بر آنها فرمان براند، پس سزاوار همین نظام سیاسی - اجتماعی موجود هستند و طبق منطق ایشان رژیم جمهوری اسلامی نیز تنها وظیفه تاریخی خود را انجام می‌دهد! بی‌شک نیست که غالباً این "روشنفکران" را در کنار نیروهای راست می‌بایم. نیروهایی که طرفدار حذف شعار سرنگونی جمهوری اسلامی و دستیابی به نوعی سازش با این رژیم ضد بشری هستند.

از نظر اجتماعی و فرهنگی مبنای تفکرات این عده را دلخاستگی به مناسبات اجتماعی کشورهای غربی، بی‌هویتی و خلع سلاح فرهنگی نسبت به "فرهنگ تمدن اروپایی" و "دمکراسی نهادی شده" غرب و تحریف واقعیات مربوط به مبارزه و اعتراض کارگری در جامعه ایران تشکیل می‌دهد.

از نظر روانشناسی این عده قصد دارند با تحقیر دیگران ارزش خویش را بالا برند و حساب خود را از "مردم بی سواد و عقب مانده" جدا کنند. نفس تحقیر مردم برای آنها به نوعی ابراز وجود و اعلام هویت تبدیل شده است. تصادفی نیست که در پشت يك تك عبارات این باصطلاح روشنفکران دریایی از تکبر و خود بزرگ بینی مشاهده می‌کنیم.

البته اندیشه ، عمل و شخصیت اجتماعی این "روشنفکران" قلبی که لقب "تاریخ‌اندیشان" بیشتر برانده‌شان است چنان بی مایه و متزلزل است که علی‌رغم وجود زمینه مناسب برای رشد اندیشه‌هایشان - که عمدتاً از شکست انقلاب ۵۷ ، بی‌تفاوتی و بی‌خیالی نسبت به پیگار و رنج مردم و گسترش جو محافظه کارانه و احساس سرخوردگی و یأس نشأت می‌گیرد - هنوز هم نتوانستند به يك نیروی اجتماعی تبدیل شوند و لاجرم در همان محافل کوچک و محقر خود می‌پولند و به غیبت و بدگویی از کارگران و مردم ایران ادامه می‌دهند.

شناخت اولیه از نقش کارگران در انقلاب ۵۷ ، اعتصابات کارگری در سالهای اخیر و جو اعتراضی و مبارزه در کارخانه‌ها و محله‌های کارگری ایران کافی است، تا بوج بودن ادعاهای این جماعت آشکار شود.

برای اینکه بی‌اطلاعی این افراد از چند و چون آگاهی کارگران ایران را نشان دهیم، کافی است گوشه‌ای از صحبت‌های کارگران ایران که از سدهای بشمار سانسور دولتی گذشتند و رسانه‌های گروهی رژیم جمهوری اسلامی ناچار به انعکاس آنها شدند را در اینجا بیاوریم. در این رابطه روزنامه "کار و کارگر" مورخ ۷ آبان (۲۹ اکتبر) ناخواسته نمونه‌ای بدست می‌دهد که برای درک جو اعتراضی کارگری و روشن بینی و دید سیاسی - طبقاتی کارگران ایران بسیار آموزنده است.

خبرنگاران کار و کارگر صاحب‌های دارند با کارگران شرکت پسر جلا در منطقه کوره یز خانهای اطراف تهران. در این شرکت مصالح ساختمانی مانند سفال و تیغه بلوک تولید می‌شود.

یکی از کارگران که دارای چهل سال سن و ۹ سال سابقه کار بوده و متصدی دستگاه کلوگان است در بخشی از صحبت‌هایش شرایط زیست کارگران را توصیف نموده و بدین‌گونه مسئولین را به بازخواست می‌کشد:

" شما در مسیری که آمدید ملاحظه کردید که مردم آب آشامیدنی ندارند. بهداشت کافی در منطقه وجود ندارد. و حتی برای منازل ما در اینجا (کارخانه) آب می‌پریم. خانهای بهداشت بدترستی رسیدگی نمی‌کنند و خطر بیماری‌های مسری و خطرناک بسیار زیاد است.

"روشنفکران" دروغین و رشد آگاهی کارگران

جستجو می‌کند - از انقلاب ایران مبنی بر اینکه گویا " مردم مذهبی ما" برای اسلام انقلاب کردند، بدینگونه به نقد می‌کشد:

آقا! ما برای این انقلاب کردیم که دیگر این مسائل نباشد. حقوق کارگر را باید بدهند تا کارگر بتواند تولید کند نه اینکه کارگر به شام شب محتاج باشد ولی آقایان از دسترنج همین کارگر گرسنه صاحب ویلاهای آنچنانی و ماشین‌های بیست میلیون تومانی شوند. این کجای انصاف و برابری است؟ این اجحاف و ظلم به جامعه کارگری است."

نقل قولهای فوق بخوبی رشد سیاسی کارگران را نشان می‌دهد. واقعیت این است که کارگران به مراتب بهتر از گذشته شرایط سیاسی- اجتماعی جامعه را تجزیه و تحلیل می‌کنند، دشمنان طبقاتی خویش را بهتر می- شناسند و قادرند عقاید و نظرات خود را با وضوح بیشتری مطرح نمایند. تمامی این تحولات تأییدی است بر این نکته که در برآمد توده‌ای آینه‌ده که دیر یا زود به وقوع خواهد پیوست، طبقه کارگر ایران نسبت به انقلاب ۵۷ با آگاهی، تشکل و پختگی کیفیتاً بالاتری پای به صحنه خواهد گذاشت. □

ناصر سعیدی
۹۱/۱۲/۱۵

می‌توان یافت. غالب آنها برای خود و همطبقه‌هایشان به عنوان تولیدکنندگان جامعه شخصیت اجتماعی قائلند، مشکلات اقتصادی خود و خانواده‌شان را بطور مستقیم به شرایط سیاسی جامعه ربط می‌دهند و دشمنان خود یعنی سرمایه‌داری ایران و رژیم حامی آن را بینه خوبی می‌شاسند.

حتی يك صدم این روشن بینی و آگاهی سیاسی را نمی‌توان در نوشته‌ها و گفته‌های باصطلاح "روشنفکران با فرهنگ و تمدن" یافت. برعکس ادبیات ایشان سرشار است از احساس پوچی و بیپوچی، سرخم کردن به وضعیت موجود، تحقیر مردم و خود بزرگ بینی.

در گزارش دیگری از روزنامه کار و کارگر مورخ ۱۶ آبان (۷ نوامبر) یکی از کارگران "شرکت صنایع اسلکتهای فولادی و مخازن ایران" بدینگونه با مسئولین جمهوری اسلامی اتمام حجت می‌کند:

"من خدمت این آقایان عرض می‌کنم که زمان به همین شکل پیش نمی‌رود و روزی هم خواهد رسید که این آقایان در برابر ملت اظهار تمامیت و پشیمانی کنند."

کارگر دیگری از شرکت مذکور روایت جمهوری اسلامی و برخی از "روشنفکران" تازه بدوران رسیده که "خمینیم" را در مردم ایران

اعتصاب ۲۰۰۰ کارگر شرکت کشت و صنعت کارون

کارفرمایان شرکت تبدیل کرده است. همین امر که خود بروز زیانهای برای دولت جمهوری اسلامی و کارفرمایانش را بدنبال دارد باعث گردیده تا روزنامه "کار و کارگر" ارگان خانه کارگر جمهوری اسلامی را به واکنش وا دارد! این روزنامه در شماره ۲۴ آبان ۱۳۷۰ خود می‌نویسد:

"از کارگران عزیز انتظار می‌رود که برای رسیدن به خواسته‌های صنفی خود حتی الامکان از این گونه شیوه‌ها که خسارات هنگفتی را متوجه جامعه می‌نماید، استفاده نکنند و مدیران نیز بایستی با اتخاذ شیوه‌های مناسب و جلوگیری از تبعیضات ناروا و ارائه حقوق قانونی کارگران، زمینه بروز چنین تشنجاتی را از بین ببرند."

چگونه است که این روزنامه زیان دولت و سرمایه داران را به عنوان "خسارات هنگفت جامعه" قلمداد می‌کند ولی استشار و وحشیانه کارگران و بی حقوقی مطلق آنها را که منشأ اصلی مقاومت یکپارچه آنان و دلیل اصلی خسارات انسانی و تباهی جسمی و روحی کارگران است به عنوان خساراتی که سرمایه داران به کارگران تحمیل کرده‌اند، به حساب نمی‌آورد؟ و از کارگران می‌خواهد که از تنها وسیله مقابله با ارزانی و تراج نیروی کارشان (اعتصاب) دست بردارند؟

این نه تنها منطق روزنامه "گاو کارگر" بلکه منطق همه مزدوران قلم به دست سرمایه است که زیان کارگر را، زیان به اجتماع نمی‌دانند ولی زیان سرمایه داران و دولت آنان را زیان اجتماعی توصیف می‌کند. □

۲۰۰۰ کارگر فصلی نی‌پور شرکت کشت و صنعت کارون شرایط کارفرمایان این شرکت را برای کار نپذیرفتند و خواهان دستمزد و دریافتی بیشتری شدند. آنها در مقابل عدم توافق مدیریت با خواسته‌هایشان دست از کار کشیده و به مناطق خود باز گشتند. و با این عمل اعتراضی و یکپارچه خود، کار تولید این شرکت را راکد گذاشتند.

شرکت کشت و صنعت کارون همه ساله کارنی‌پوری در مزارع بیش از ۱۸ - هزار هکتاری نیشکر را با به کار گماردن هزاران کارگر فصلی به پیش می‌برد. این کار آن چنان شاق و توانفرسا است که کسی جز محرومترین بخشهای طبقه کارگر را نمی‌توان به انجام آن وادار کرد. غالباً برای این کار از - کارگران فصلی و به صورت کثرتانی استفاده می‌کنند.

اگر نیاز شیدیدی که این کارگران به دستمزد دریافتی این کار دارند را درکنار پراکندگی و بیارتباطی تقریباً کامل این بخش از کارگران در نظر آوریم، درمی‌یابیم که حرکت یکپارچه ۲۰۰۰ کارگر اعتصابی بیانگر ارتقاء مبارزات صنفی و اقتصادی آنان و نیز نشان‌دهنده گرایش مسلم و جدی آنان به اتحاد و حرکت دسته جمعی است.

با توجه به موقعیت جوی منطقه خوزستان و اینکه فصل پائیز بهترین زمان برای برداشت نی محسوب می‌شود، استقامت و پافشاری کارگران در مقابل شرایط تحمیلی کارفرمایان، روزانه برداشت هزاران تن نیشکر را به معضل

اخبار اعتصابات و تظاهرات کارگری و توده‌ای در ایران را به اطلاع جهانیان برسانیم!

سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر - قسمت آخر

حرکتی نکرد؟

ح - خود جنبش کارگری آلوده جنبش دمکراتیک شده بود. یعنی درونش شقه شقه شده بود. مثلاً "سازمان اکثریت مدافع دولت بود، کارگران هواناوش هم در دهنیشان مدافع دولت بودند. برای آنها دیگر مهم نبود که مثلاً" اقلیت از بیسن می‌رود. البته این طور که می‌گویم برای روشن شدن موضوع است. یعنی جنبش دمکراتیک باعث شده بود که طبقه کارگر از نظر ذهنی شقه شقه شود و این چند دستگی باعث شده بود که نتواند در هیچ رابطهای به طور یکپارچه حرکت کند.

ما در صنعت نفت به طور مشخص منهای ذهنیهایی که هر کدامان در ارتباط با سازمانها و گروههای مختلف داشتیم، برای هر مسئله مشخصی در ماه جلسه داشتیم. و اگر چیزهای ضروری پیش می‌آمد در هفته یک بار جلسه می‌گذاشتیم و با بررسی و صلاحیت جمع حرکت می‌کردیم و نمی‌توانستیم بر مبنای تملقات گروهی و سازمانی حرکت را پیش ببریم. مثلاً "خواست زمین در صنعت نفت یک سابقه طولانی داشت. در سال ۵۷ بعد از اعتصاب نفت تهران در روز ۱۷ شهریور ۲۰۰ خانواه برای گرفتن زمین جلو پالایشگاه چادر زدند. دولت ازهارای با توپ و تانک آمد و آنها را سرکوب کرد. پس از انقلاب باز دعای از بیجما خواست زمین را پیش کشیدند. یک عده از گروههای سیاسی می‌گفتند اعتصاب و تحصن حرام است، یک عده می‌گفتند تولید بیشتر. یک عده می‌گفتند جنگ صلحانه. خلاصه هر گروهی یک سازی میزد. ما نه می‌توانستیم "تحصن حرام" را پیش ببریم و نه "جنگ صلحانه" را. ناچار شدیم جلسه رسمی با تمام کارگران در سالن سخنرانی اداره مرکزی شرکت نفت بگذاریم. در آنجا از شهرهای مختلف حدود ۸۰۰ - ۹۰۰ تن آمده بودند. هر کس آمد و نظرش را گفت. در مجموع نتیجه این شد که دو روز تحصن کنیم. همان زمان که تحصن کردیم خمینی رسماً در تلویزیون اعلام کرد که تحصن و اعتصاب و غیره حرام است. یعنی منظور این است که ما خودمان آلوده این تفکرات شده بودیم و نمی‌توانستیم بطور مستقل مسائل را به پیش ببریم.

س - مناسبات بین سازمانهای سیاسی و طبقه کارگر چگونه بود و چگونه باید باشد؟

ح - سازمانهای سیاسی باید خط و مشی‌شان را مشخص کنند و در ارتباط با جنبش اتحادیه‌های خط و مشی مشخصی داشته باشند. سازمانهای سیاسی در گذشته کاری کردند که جنبش طبقه کارگر واقعا "ناغان شد و یک ذهنیت بسیار بدی نسبت به سازمانهای سیاسی در طبقه کارگر بوجود آمد. سازمانهای سیاسی بایستی خیلی کار کنند تا دوباره طبقه کارگر خصلت مبارزاتی را در آنها ببیند و آنها را بپذیرد و این مسئله از جان گذشتگی و کار زیادی می‌خواهد که این دره عمیقی که بعد از انقلاب تا حالا در ارتباط با طبقه کارگر بوجود آمده، پر شود و تازه سازمانهای سیاسی در ارتباط با طبقه کارگر به دوره انقلاب برسند.

به نظر من در حرکت آینده انقلاب ایران - حال هر زمان که می‌خواهد باشد - نقش طبقه کارگر صد در صد تعیین کننده خواهد بود. با توجه به آموزش انقلاب، ما می‌بینیم که در بیش از ده سال حکومت جمهوری اسلامی زمانی که نفت اعتصاب می‌کند همه کارمندان و کارگران با هم اعتصاب می‌کنند. یعنی در تمام تاریخ جنبش کارگری به جز مقطع انقلاب ما نمی‌بینیم که کارمندان نفت دست به اعتصاب بزنند. ولی می‌بینیم در اعتصاب اخیر همه با هم اعتصاب کردند.

در انقلاب آینده طبقه کارگر بسیار آگاهانه تر دست به حرکت می‌زند و با توجه به نقش موثرش، سازمانهای سیاسی نمی‌بایستی همچون گذشته حرکت کنند و جنبش مستقل طبقه کارگر را با سازمانهای سیاسی مخلوط کنند. بایستی خط و مسیر مشخصی بین این دو وجود داشته باشد و با حرکت اصولی از طرف این سازمانها می‌توان به پیوند این دو در آینده امیدوار بود.

سازمانهای سیاسی در حرکت آینده همچون قبل از پیروزی انقلاب بدنبال طبقه کارگر خواهند بود. و اگر شعار درستی دهند می‌توانند این دو به هم ببینند.

س - نقش سازمانهای سیاسی از سال ۵۷ پیش برنده بود یا باز دارنده و حرکت آنها چه تناقضی با جنبش مستقل کارگری داشته است؟

در پویش شماره ۲۰ قسمت اول سخنرانی رفیق خسرو شاهی در مورد تشکلهای کارگری و موانع موجود در مقابل ایجاد تشکلات مستقل کارگری در ایران چاپ گردید. اینک قسمت آخر این سخنرانی که شامل پرسشهای مطرح شده از جانب حاضرین و پاسخهای سخنران است، از نظر گرامیتهای می‌گذرد.

س - چرا بعد از انقلاب ۵۷ تشکلهای مستقل کارگری بوجود نیامند و در حال حاضر اگر تشکلی وجود دارد چیست؟ در صورت نبود تشکل، چه تشکلی می‌تواند پاسخگوی نیازهای کارگران باشد؟

ح - در مقطع انقلاب، تشکلهای مستقل کارگری از دو سه ماه قبل از قیام تا مدتی بعد از قیام وجود داشت. بعد از انقلاب اکثر فریب به اتفاق کارگرانی که در رأس حرکت بودند به سازمانهای سیاسی پیوستند. در مرحله انقلاب طبقه کارگر در چهار جوب کارخانه خودش دارای استقلال بود. مثلاً "کارگران صنایع جوب چوکا، نفت و کارخانجات دیگر. هیچ گروهی این حرکتها را به پیش نمی‌برد. بعد از انقلاب طبقه کارگر استقلال نسبی خود را از دست داد و تفرقه و چند دستگی بین کارگران بوجود آمد و هر کس بر مبنای عقیده‌اش حول یک تشکلاتی جمع شده بود و این باعث شد که همستکی واقعی و حتی عاطفی بین کارگران شکسته شود. به نظر من بعد از ۵۷ نمی‌توان گفت که تشکل مستقلی وجود داشت. در حال حاضر تشکل علنی وجود ندارد. شوراها و اسلامی نیز تشکلهای دولتی هستند. ولی در بعضی کارگاهها و کارخانجات کمیتههای مخفی وجود دارد و این کمیتهها سازماندهی اعتصابات هستند و به طرق مختلف از مجمع عمومی گرفته تا فشار به شوراها و اسلامی مسائلشان را به پیش می‌برند و در جاهای مختلف مبارزه شکلهای مختلف دارند. در اصناف مسئله فرق می‌کند. شکل حرکت آنها حول مسائل سندیکایی است. اصناف سابقه طولانی در مسائل سندیکایی دارند. اما در کارخانجات مسائل را به طرق دیگر به پیش می‌برند.

در حال حاضر به غیر از تشکلهای مخفی موجود، دولت در قانون جدید کار انجمنهای صنفی را به رسمیت شناخته است. فکر میکنم به خاطر اعتصابات مکرر و فشارهای کارگری، دولت مجبور خواهد شد انجمنهای صنفی را در حد سندیکاهای زرد گذشته به رسمیت بشناسد. و در یک حدی مجبور شود به تشکلهای صنفی تن دهد. اجازه بدهد با در نظر گرفتن مو شکافی در زندگی فرده نمایندگان بی‌آزار کارگران انتخاب شوند. امکان یکسری عقب نشینی دولت برای انتخاب نمایندگان وجود دارد. زیرا در این مدت ده دوازده سال تمام تاکتیکهایی که دولت در رابطه با کارگران به پیش برده، به آخر خط رسیده است. در حال حاضر دوره رویا رویی کارگران با دولت است. دولت دیگر نمیتواند زیر لوای جنگ و مبارزه با گروهها کاری از پیش ببرد. کارگران پیشرو اگر چه امکان این را نخواهند داشت که در رأس حرکتها قانونی قرار گیرند اما می‌توانند از طریق فشار به چنین تشکلهایی مسائل طبقه را به پیش ببرند.

س - رابطه احزاب سیاسی با شوراها و سراسری کارگران نفت چه بود؟

ح - در مقطع و بعد از پیروزی انقلاب هیچیک از سازمانها هیچگونه برنامه و خط و مشی مشخصی در رابطه با طبقه کارگر نداشتند. سازمان فدایی در ذهنیتها یک خصلت رزمی بوجود آورده بود. اکثر فریب به اتفاق ما کارگران به دنبال فداییها افتادیم. ما شناخت کافی از سازمان فدایی نداشتیم. تنها خصلت رزمندگی و خصلت انقلابی آنها بود که ما بدنبال این جریان افتادیم. دوستی پرسید که رابطه ما کارگران سا روحانیون چطور بود؟ طولانی شدن مدت اعتصاب و مشکل مالی، ما را از طریق بازار به روحانیت مربوط نمود. اینطور که کارگران جنوب (هوانار) سازمانهای سیاسی شدند، به دنبال روحانیت نیفتادند. در بسیاری جاها مثلاً "در خوزستان کارگران جلوی روحانیت ایستاده بودند و برایش پیشروی ارزش قائل نبودند و ذهنیتی در رابطه با مذهب وجود نداشت. در جریان کشتار ترکمن صحرا و حمله به خلق کرد تمام خوزستان از خلق کرد و ترکمن پشتیبانی کرد.

س - با توجه به اینکه در مرحله اول دولت به جنبش دمکراتیک ضربه زد و بعد به جنبش کارگری، چرا جنبش کارگری از جنبش دمکراتیک حمایت نکرد؟ و در این زمینه

سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر - قسمت آخر

ج - مسئله عمدای که همیشه باید مد نظر داشته باشیم این است که طبقه کارگر همین درک کم سیاسی را هم که به دست آورده از جنبش روشنفکری و احزاب سیاسی گرفته.

۹۰ درصد کارگران - از جمله کارگران نفت - این درک سیاسی روشن و مشخصی را قبلاً نداشتند و از سازمانهای سیاسی گرفتند. نقش مثبت سازمانهای سیاسی در ارتباط با ارتقاء سطح تفکر کارگران و شناخت منافع طبقاتی آنها بسیار موثر و عالی بوده. این نکته را نباید از نظر دور داشت و همواره باید تاکید کرد که بدون تلفیق کارگران و روشنفکران هیچ کاری نمی‌شود پیش برد. اگر طبقه کارگر تنها باشد، بدون تفکر سیاسی، تبدیل می‌شود به طبقه کارگر انگلستان که هنوز به دنبال حزب بورژوازی لیبر می‌بود.

در مسائل سیاسی و بردن دید طبقاتی به درون کارگران مشخصاً بایستی نقش روشنفکران را مد نظر داشته باشیم. نباید آن را نادیده بگیریم. در این رابطه سازمانهای سیاسی مسائل را پیش بردند و بدون تلفیق آنها با کارگران ما الان به این دید طبقاتی نرسیدیم.

نقش باز دارندهشان را هم که قبلاً گفتیم که باعث چند دستگی در طبقه کارگر شدند و ارتباط ارگانیک درون آن را از بین بردند.

س - موانع موجود در رابطه با سازماندهی تشکلهای کارگری کدام است؟

ج - ما از مقطع جنبش تنباکو به این طرف که نگاه کنیم می‌بینیم که اتحادیه‌ها اصناف وجود داشته، دارد و خواهد داشت. مگر اینکه يك دولت کارگری بیاید و آن را نابود کند. اتحادیه پارچه فروشان، آهن فروشان، کفش فروشان و - غیره وجود داشته. تجارب آنها از جنبش تنباکو تا به امروز جمع بندی نشده و امروز به خاموشی و عسکر اولادی رسیده است.

يك جمع بندی کلی با مجموع اسناد در دست اینهاست. اما جنبش کارگری را در نظر بگیرید. از اول ایجاد جنبش کارگری همیشه دولتها آن را سرکوب کرده‌اند و تمام رهبران جنبش را لت و پار نمودند. در صنعت نفت افرادی در رأس - تشکلات کارگری نداشتیم که توانسته باشند تجربیاتشان را به نسل بعد منتقل کنند. خود ما که در سال ۳۵ در صنعت نفت استخدام شدیم از صفر شروع کردیم: از طومار نویسی. ما هیچ تجربه‌ای نداشتیم. حتی همین الان روشنفکران يك جمع بندی کلی در ارتباط با طبقه کارگر ایران ندارند. در تمام دنیا جمع بندی تجارب کارگری وجود دارد. در انگلستان این تجربه به شکل مکتوب وجود دارد. اما در مورد جنبش کارگری ایران چنین جمع بندی نداریم. هر کس با دید خودش نظراتی داده است. حزب توده در چارچوب خودش مسائل را نوشته. تروتسکیستها بر مبنای نظرات خودشان. هیچ کس تا این مقطع جنبش کارگری را بررسی نکرده و - يك جمع بندی مشخصی تحویل طبقه کارگر نداده است.

در هر مقطع، سرکوب عمدتاً روی پیشروان کارگران بوده و آنها را نابود کرده‌اند. در خوزستان نماینده کارگران را در گونی می‌کردند و با هلیکوپتر از بالا در رو - کارون می‌انداختند. اجازه نمی‌دادند پیشروان طبقه کارگر تجاربشان را به نسل دیگر منتقل کنند. (به عنوان مثال) علی امید کارگر نفت بود. من یادم هست انگلیسی‌ها در آن زمان در آبادان از آب سرد کن برقی استفاده می‌کردند. کارمندان يك صندوق یخی داشتند که شیشه‌های آب داخل آن می‌گذاشتند و آب خنک می‌خوردند. ما کارگران يك سطل آب داشتیم که دور آن گونی پیچیده بودند آن را در سایه می‌گذاشتیم. علی امید يك روز ظهر به روی يك تانک نفت رفت و گفت تا سه روز مهلت دارید در صورتی که به کارگران آب یخ ندادید من خودم را از بالا به پایین پرت می‌کنم. کارگران در محل جمع شدند و تجمع کارگری عظیمی بوجود آمد. روز دوم مجبور شدند برای کارگران آب یخ تهیه کنند. بعد از اینکه حزب (توده) سرکوب شد، حزب علی امید را رها کرد و او را به تهران تبعید کردند. تا اینکه در سال ۵۰ یا ۵۱ در روزنامه نوشتند علی امید مرد. بعدها معلوم شد که او در حمام کبسه کشی می‌کرد و در همانجا مرد. این سرنوشت یکی از رهبران کارگری است. یعنی نمی‌گذاشتند تجربیات منتقل شود. اما وضعیت بعد از انقلاب فرق می‌کند. در انقلاب طبقه کارگر در صحنه بود و از انقلاب تجربه گرفت. جمهوری اسلامی تا به امروز طبق لیستی که هست ۵۰۰ نفر از رهبران کارگران را کشته است ولی نمی‌تواند همه کارگران را بکشد. در اعتصاب کفش ملی ۷۰۰ نفر دستگیر

شدند ولی بعداً آزاد شدند. جمهوری اسلامی قادر به نابودی کل طبقه نیست بنابراین کارگران مبارز در جنبش کارگری وجود دارند. روی این اصل وضعیت قبل با بعد از انقلاب فرق می‌کند. ما می‌بینیم یکی از معضلات مهم عدم انتقال تجربه از نسلی به نسل دیگر بوده است و عامل اصلی آن سرکوب توسط دولتهای سرکوبگر است. و دیگری اینکه طبقه کارگر ایران جوان بوده و هنوز هم جوان است.

در مرحله انقلاب طبقه کارگر برای وضعیت بهتر حرکت کرد و فکر می‌کرد با توجه به نقشی که در انقلاب دارد میتواند به حواسته هایش برسد. طبقه کارگر در کارخانه شورازا سازمان داد. اما پیوند احزاب سیاسی باعث تفرقه‌رسطوح مختلف گردید. تفرقه آید. این تفرقه باعث می‌شد که جلوی خیلی از حرکتها گرفته شود. بعد از انقلاب طبقه کارگر دچار چند دستگی شد. مثلاً در مورد تشکل، یکی شعار سندیکا را مطرح می‌کرد، دیگری اتحادیه و دیگری شورا. طبقه کارگر نتوانست به شکل مستقل تشکلات خاصی خودش را تدوم بخشد. یکی از علل عمده ایجاد چند دستگی از نظر تنوریک در رابطه با پیشروان طبقه کارگر بود. البته در این رابطه نقش تخریبی جمهوری اسلامی را نمی‌توان نادیده گرفت. عامل منهد باعث شد يك عده از کارگران که همگی در يك صف بودیم صف شان را جدا کنند و به دنبال حزب جمهوری اسلامی بیفتند و شوراهای اسلامی را درست کنند و سلاحها را تحویل سپاه بدهند. البته خیلی هایشان به خاطر منافع مادی این کارها را می‌کردند. اما بعضی‌هایشان به خاطر مسائل اعتقادی بود.

سازمانهای سیاسی هم نقش داشتند. عداوت می‌گفتند ایها ضد امپریالیست هستند. ما هم توهم داشتیم و فکر می‌کردیم اینها می‌تواند ضافع ما را نأمین کنند که اینطور نبود و جمهوری اسلامی نیرویش را در جهت سرکوبی طبقه کارگر گذاشته بود. مسئله جنگ باعث شده بود که تأسیسات خوزستان به طور کلی از بین برود. کارگران خوزستان از هم جدا شدند. بیشتر خانواده‌هایشان از بین رفته بودند و مسئله در يك کلاف سردرگمی پیچیده شده بود. مسئله جنگ باعث شده بود که در عداوت حس ناسیونالیستی بوجود بیاید. شعارهای جمهوری اسلامی و بسیج کارگران در اوایل جنگ باعث شده بود که خوزستان - ستاد رزمندگان کارگران - از بین برود، اکثر کارخانهها به علت عدم وجود مواد اولیه تعطیل شود و آنها که تعطیل نشده بود اکثراً در جهت جنگ سازماندهی شود. کارگران از این کارخانه به آن - کارخانه منتقل می‌شدند.

دولت جمهوری اسلامی با تمام نیرو آنچنان به طبقه کارگر فشار آورد که طبقه کارگر ماهیت اساسی خود را از دست داد. یعنی کارگران در مقطع جنگ و اوج بی‌کاریها تنها به دنبال کار می‌گشتند و تنها تلاششان این بود که کارشان را از دست ندهند. (به عنوان مثال) در صنعت نفت خوزستان قبلاً تنظیمات دست پیمان کار بود ولی در تمام مقطع جنگ تنظیمات را می‌دهند دست کارگران فنی. چون تعداد وسیعی از کارگران فنی بیگار بودند.

طبقه کارگر بر مبنای احساس هویتش است که می‌تواند حمله کند. نه تنها حالت نهاجمی را از طبقه کارگر گرفتند بلکه آن را در وضعیت بسیار بدی قرار دادند که دیگر نمی‌توانست ابراز وجود و عرض اندام کند چرا که کارش را می‌خواستند از دست بگیرند.

در این مقطع دولت جمهوری اسلامی در جهت نابودی طبقه کارگر پیش رفت و می‌خواست آن را از صحنه بر دارد و اسمش را هم عوض کرد.

بعد از جنگ و چشم اندازی که نسبت به بازسازی هست، باز می‌بینیم که آرام آرام قضیه دارد شکل می‌گیرد و شاهد حرکت کارگران و اعتصاباتشان هستیم.

می‌بینیم که بازسازی قسمتهای مختلف باعث تجمع دوباره کارگران اولیه و طرح خواسته‌هایشان می‌شود و این خواستهها آرام آرام شکل می‌گیرد. طبقه کارگر دارد هویتش را باز پس می‌گیرد. در مرحله کنونی به نظر من هدف از حرکات کارگری علاوه بر خواستههای اقتصادی، بیشتر این است که جمهوری اسلامی قبول کند که طبقه کارگر هست که با توجه به تدوین قانون جدید کار این را قبول کرد. در قانون کار جدید يك طرف سرمایه دار است و يك طرف طبقه کارگر.

دیگر آن مسئله که "همه کارکنند، خواهام کارگر است" منتفی شد. طبقه کارگر در حرکتهايش علاوه بر خواستههای اقتصادی می‌خواهد به جمهوری اسلامی بپهاند باید

سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر - قسمت آخر

خواستهایش است.

پیشروان کارگری نمی‌بایستی هیچ چشم داشتی به شکل علنی در جامعه سرمایه‌داری حتی در کشورهای سوئد و انگلستان داشته باشند. در انگلستان در همین مقطع با اینکه اتحادیه‌ها عظمت چندین ساله دارند وقتی اعتصاب آن‌ها را (کارگران قطارهای زیر زمینی) صورت می‌گیرد، اتحادیه رو به روی کارگران می‌ایستد و کارگران به سرعت تشکل مخفی‌شان را سازمان می‌دهند و اعتصاب را تا به دست آوردن - خواسته‌هایشان ادامه می‌دهند.

همین الان بخشی از رانندگان لندن در اعتصابند، در صورتی که اتحادیه اعتصاب را ممنوع اعلام کرده است. اما اینها تشکلهای مخفی دارند. دولت (انگلستان) سال قبل می‌خواست رهبران مخفی اعتصاب قطارهای زیر زمینی را دستگیر کند ولی موفق نشد. پس وظیفه و رسالت اصلی (پیشروان) سازماندهی طبقه بدون چشم داشت به تشکل علنی است.

اگر طبقه کارگر به آن توازن قوا برسد که بتواند نمایندگی‌اش را در تشکل علنی بفرستد هیچ اشکالی ندارد. با در نظر گرفتن توازن قوا هیچ مغایرتی ندارد که نماینده طبقه کارگر در تشکلهای علنی حضور داشته باشد. چه اشکالی دارد که طبقه کارگر مثلاً "نماینده به مجلس بفرستد؟ مگر ما خواستار شرکت در "شورای انقلاب" نبودیم؟

ما می‌بایست به طبقه کارگر چشم داشته باشیم. در جنبش کارگری دو راه وجود دارد. یا طرف کارگران، یا طرف دولت. یا باید خودت را بفروشی یا باید این طرف بایستی. در جنبش کارگری سانسر معنی نمی‌دهد.

بزرگترین اشکالی که در کشورهای بلوک شرق وجود داشت این بود که طبقه کارگر را نادیده گرفتند. دولت از بالا شکل گرفت. جمهوری اسلامی هم از بالا شکل گرفت. سازمان سیاسی هم نباید این امر را نادیده بگیرد. ما از طریق تشکلات علنی به خواسته‌هایمان نخواهیم رسید، مگر اینکه توازن قوا به نفع‌مان باشد. یا اینکه مثل سال ۱۳۲۵ که شورای متحده مرکزی قدرت داشت، آن - قدرت در دست کارگران باشد. دولت سرمایه‌داری به هیچ عنوان حاضر نیست که اجازه دهد نمایندگان طبقه کارگر به مجلس بروند و قوانین را به نفع خودشان

تصویب کنند. این فریب است که فکر کنیم از طریق تشکلات علنی بتوانیم مجلس و دولت را در دست بگیریم. مگر سرمایه‌دار مرضی دارد که چنین اجازه‌ای بدهد. کشورهایی که سالیان سال تشکلهای علنی دارند، دولت سرمایه‌داری دارد یک یسک دستاوردها را از آنها می‌گیرد. برای اعتصاب کردن باید از تمام کارگران رأی مخفی گرفت ولی برای شکستن اعتصاب رهبر اتحادیه ممنوعیت اعتصاب را اعلام می‌کند و همه باید به سر کارهایشان بروند. دولت سرمایه‌داری انگلستان این را در مجلس تصویب کرده است.

س - گرایشات سیاسی و فکری در میان کارگران در مقطع فعلی چیست؟ آیا کارگران قانون گرا، اتحادیه گرا یا سوسیالیست هستند؟

ج - اگر روی قشر خاصی که سازماندهی اصلی حرکات در مقاطع حقیقتان است، انگشت بگذاریم، می‌توانیم بگوییم صد درصد سوسیالیست هستند. یعنی اگر هم ندانند سوسیالیست هستند، حرکتشان سوسیالیستی است. و با توجه به برداشته‌شان از حرکت فعلی، می‌توان گفت سمت و سوی سوسیالیستی است. اما همین افسردگی را که برداشت طبقاتی و سوسیالیستی دارند، نباید صرفاً "محدودشان کرد" بلکه حرکت سوسیالیستی. یعنی نمی‌توان صرفاً "حرکاتی را به آنها توصیه کرد" که سوسیالیستی باشد بلکه باید شعارهایی را پیش برد که بتوان طبقه کارگر را منجم کرده و به حرکت در آورد و با در نظر گرفتن مسائل ملموس شان آنها را برای گرفتن قدرت از دست سرمایه‌داران آماده کرد.

س - وظایف ما کارگران در خارج از کشور چیست؟

ج - ما الان به اینجا آمنایم و در اینجا زندگی می‌کنیم ولی یک سری دلچسپی‌ها به طبقه کارگر ایران داریم. بر این مبنا ما باید در جهت اهداف و منافع طبقه کارگر حرکت کنیم. من یادم هست در سال ۴۹ که یک اعتصاب یک روزه در - خوزستان کرده بودیم هنگامی که رادیو عراق خبر اعتصاب را اعلام کرد، اعتصاب ما یک هفته طول کشید. چون احساس داشتن پشتیبان کردیم.

وی را به رسمیت بشناسد و به حساب بیاورد. و قبولاندن اول ماه مه بعنوان روز کارگر نیز عقب نشینی رژیم را در این مورد تأیید می‌کند. در مرحله کنونی

عمده‌ترین چیزی که باعث عدم سازماندهی است، نرسیدن طبقه کارگر به حد معینی از خواسته‌های اقتصادی است. چون نان چشم اندازش برای طبقه کارگر بیشتر است تا تشکل. البته منظوم تشکل مستقل و علنی است زیرا تشکلهای مخفی و حرکت هم اکنون وجود دارد. ولی چرا طبقه کارگر به جای اینکه می‌گوید ۲۰ - درصد افزایش حقوق می‌خواهم، نمی‌گوید تشکل مستقل می‌خواهم؟ به نظر من طبقه کارگر حس می‌کند که می‌تواند تشکل را از پایین داشته باشد، حرکت را به وجود بیاورد، می‌تواند آرام آرام تشکل را سازماندهی کند. پس در وحله اول در - ارتباط با تخنیه و غیره مسائلش را مطرح می‌کند. البته در عمل شوراهای اسلامی را نمی‌کند. در برخی کارخانه‌ها که اعتصاب شده خود وزارت کار از کارگران می‌خواهد که نماینده‌شان را انتخاب کنند. در حالیکه شوراهای اسلامی در کارخانجات وجود دارند یعنی خود وزارت کار هم پذیرفته که کارگران شوراهای اسلامی را قبول ندارند.

تنها حرکات و اعتصابات پیاپی طبقه کارگر باعث خواهد شد که بعدها تشکل مستقلش را به رسمیت بشناسد. در صنعت نفت اولین باری که اعتصاب کردیم، اعتصاب دو روزه بود، خواسته‌هایمان را دادند ولی حقوق روزه‌های اعتصاب را - ندادند. ما به خاطر آن دو روز یک هفته اعتصاب کردیم. هم حقوق آن دو روز را دادند و هم حقوق یک هفته را. بعد از آن دفعات دیگری هم که اعتصاب می‌کردیم حقوقمان را می‌دادند. یعنی رژیم شاهنشاهی گرچه اعتصاب را از نظر قانونی به رسمیت نمی‌شناخت ولی آن را در عمل پذیرفته بود. ما هر قدر اعتصاب می‌کردیم حقوقمان را هم می‌گرفتیم.

من فکر می‌کنم در ارتباط با تشکل هم در حال حاضر با توجه به اینکه پیشروان و کسانی که در کمیته‌های مخفی هستند حس می‌کنند نمی‌توانند کارگران را حصول شعار ایجاد تشکلهای مستقل به حرکت در بیاورند، آن قدر آنها را حول مسائل ملموس به حرکت در می‌آورند تا جایی که دولت ناچار شود مثلاً "در کارخانه‌ای که اعتصاب عمومی شده بگوید پنج نفر کارگر را به عنوان نماینده انتخاب کنید و این آرام آرام باعث بوجود آمدن هسته‌های اصلی تشکلهای علنی مستقل می‌شود.

در حال حاضر مانع بسیج پیشبرندگان حرکت در رابطه با ایجاد تشکل مستقل، عدم تحریک طبقه کارگر در رابطه با این خواست است. نه اینکه پیشروان به درک این ضرورت نرسیده‌اند. آنها می‌دانند که بنیاد اصلی حرکت، تشکل مستقل - و به طور کلی تشکل - است. تا تشکل نباشد آزادی بیان، حق اعتصاب و غیره نیست. به عنوان مثال اخیراً "در چند کارخانه حرکاتی شده که کارگران خواستار پیمانهای دستجمعی قبل از انقلاب شدند. قبل از انقلاب پیمان دستجمعی به این شکل بود که نمایندگان هر کارخانه‌ای با نماینده کارفرما و وزارت کار در مورد مسائل مختلف صحبت می‌کردند. جمهوری اسلامی شوراهای اسلامی را پیش کشید. کارگران گفتند شوراهای اسلامی نماینده ما نیستند و ما یک عده دیگر را می‌خواهیم. اخیراً دولت گفته از کارخانه‌های مشخصی یک نفر را انتخاب کنید تا بنشینیم و در مورد پیمانهای دستجمعی صحبت کنیم. یعنی شوراهای اسلامی هم الان در کارخانه‌ها وجود دارد ولی از هر کارخانه یک نماینده انتخاب شده تا با نماینده کارفرما و وزارت کار صحبت کند. یعنی وزارت کار من غیر المستقیم قبول کرده که شوراهای اسلامی شوراهای کارگری نیستند.

بسیج کارگران حول مسائل مشخص و به حرکت در آوردن کارگران در کارخانجات باعث می‌گردد تشکلهای کارگری را به دولت تحمیل کرد. و گرنه جمهوری اسلامی به هیچ عنوان زیر بار تشکلهای مستقل کارگری نخواهد رفت.

س - وظایف تشکلهای مخفی در رابطه با تشکلهای علنی چیست؟

ج - در رژیم شاه تشکلهای علنی از جمله سندیکا و اتحادیه وجود داشت. فوری را بر این بگذاریم که رژیم اسلامی آنقدر عقب بنشیند که مثل رژیم شاه تشکلات علنی را ببیند. یعنی اینکه افسار اصلی حرکت در دست خودش باشد و تمام حرکات را خود دولت مهار کند. نقش پیشرو چیست؟ بسیج کارگران و سازماندهی آنها از پایین. وظیفه پیشروان کارگری سمت و سو دادن طبقه کارگر برای رسیدن بسه

ملاحظات بر انتخابات "شوراهای مشورتی خارجیان"

در ماه فوریه آینده انتخابات شوراهای مشورتی خارجیان (Ausländerbeirat) در هانوفر برگزار خواهد شد. از آنجا که یکی از عرصه‌های فعالیت کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران نیز مبارزه برای دفاع از حقوق پناهندگان می‌باشد، لازم می‌دانیم چند نکته را در مورد این "شوراها" عنوان کنیم.

دو سال پیش، هنگامی که برای اولین بار انتخابات شوراهای مشورتی خارجیان برگزار شد، بسیاری از ما پناهندگان و مهاجرین با اشتیاق به پای صندوق‌های رأی رفتیم و امیدوار بودیم که فعالیت این نهادها گامی باشد در جهت کسب بسیاری از حقوق ابتدایی‌مان. اما تجربه دو سال گذشته خلاف این امر را ثابت کرد.

شوراهای مشورتی خارجیان طی دو سال گذشته نه تنها هیچ‌یک از مشکلات پناهندگان و مهاجرین را برطرف نکرده‌اند، بلکه حتی رابط‌های نزدیک و تنگاتنگ نیز با توده مهاجرین و پناهندگان بوجود نیاوردند تا بتوانند خواسته‌ها و مطالبات ما را به درستی و بی‌کم و کاست منعکس کنند. طی دو سال گذشته حتی یک اجتماع عمومی برگزار نشده که در آن نمایندگان این نهادها انتخاب کنندگان خویش را در جریان فعالیت خویش بگزارند و در مقابل ایشان پاسخگو باشند.

ریشه تمامی این ضعفها البته نه در کم کاری این یا آن نماینده بلکه در جایگاه و نقش این نهادهاست. واقعیت اینست که "شوراهای مشورتی خارجیان" همانطور که از نامشان نیز پیداست نهادهای بی‌بو و خاصیتی هستند که هیچگونه قدرت اجرایی ندارند.

باخت تشکیلاتی این "شوراها" به نحوی است که توده پناهنده و مهاجر

را به صحنه نمی‌آورد و در جریان امور مربوط به خویش قرار نمی‌دهد. وظیفه‌ی حق اکثریت قریب به اتفاق انتخاب کنندگان در عمل اینست که هر مابین امر را که پناهندگان و مهاجرین نه بعنوان "خارجی" بلکه به عنوان پناهنده، انتخاب شدگان نسبت به پناهندگان و مهاجرین پاسخگو نیستند و هیچ مکانیزی وجود ندارد که توسط آن توده انتخاب کننده بتواند بر فعالیت نمایندگان خود نظارت داشته باشد.

از همه مهمتر اینکه شوراهای مشورتی این توهم را در ما مهاجرین و پناهندگان بوجود می‌آورد که گویا ما نیز می‌توانیم در تصمیمات مربوط به زندگی خویش مشارکت نماییم و از این زاویه مبارزه برای کسب حق انتخابات برای شهر-وندان غیرآلمانی را سد می‌کنند.

ما این امر را که پناهندگان نه به عنوان "خارجی" بلکه به عنوان شهروندان متساوی‌الحقوق با آلمانی‌ها، حق انتخابات داشته باشند، حداقل‌ترین مطالبه خویش می‌دانیم و معتقدیم بایستی در جهت این حق مبارزه کرد. اما "شوراهای مشورتی خارجیان" (Ausländerbeirat) از یکسو "خارجی بودن" ما را تثبیت و جاودانه می‌کنند و از سوی دیگر توقع و انتظار توده مهاجرین و پناهندگان را به نوعی عرض حال نوسی و "مشورت" بی‌خاصیت تنزل می‌دهند.

با توجه به تمامی این مسائل کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران در انتخابات شوراهای مشورتی، کاندیدایی معرفی نخواهد کرد و فعالیت‌های پناهنده‌ی خود را در عرصه‌های دیگری که از اولویت بیشتری برخوردارند، ادامه خواهد داد.

بند ۱ از صفحه ۱

کارکنان انگلیسی در همبستگی با کارگران ایران

انجمن ملی و منطقه‌ای کارمندان دولتی شهر نیوکاسل همچنین خواسته‌های شخصی زیر را مطرح کرده است:

۱- اعزام هیئتی تحت سرپرستی سازمان بین‌المللی کار (ILO) به ایران برای بررسی مسائل کارگری. این هیئت می‌بایست توسط گروهی از رهبران و سازماندهندگان اتحادیه‌های کارگری در ایران که هم‌اکنون در تبعید به سر می‌برند همراهی شود.

۲- در صورت تأیید هیئت مذکور می‌بایست: اولاً "نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان بین‌المللی کار اخراج شوند و ثانیاً" هیئتی از انجمن کارگران پناهنده برای شرکت در جلسات این سازمان دعوت گردد.

کنفرانس زنان انجمن ملی و منطقه‌ای کارمندان دولتی نیز خواسته‌های زیر را مطرح می‌کند:

۱- ارسال نامه‌های اعتراضی به سفارت ایران در لندن و وزارت کار در تهران توسط زنان عضو NALGO.

۲- محکوم کردن اقدامات دولت ایران توسط کلیه اتحادیه‌های بازرگانی و کنگره تریدیونیون‌ها (T.U.C).

۳- اعزام هیئتی تحت سرپرستی سازمان بین‌المللی کار به همراه اعضای انجمن کارگران تبعیدی ایرانی جهت بررسی مشکلات کارگران ایران.

سخنرانی رفیق خسرو شاهی در هانوفر - قسمت آخر

اگر ما بتوانیم وضعیت طبقه کارگر ایران را به گوش مجامع بین‌المللی، رادیوهای بیگانه، نشریات مختلف، سازمان بین‌المللی کار و امثالهم برسانیم، بتوانیم به شکلی وضعیت طبقه را منعکس کنیم، بزرگترین خدمت را به طبقه کارگر کرده‌ایم. اگر رادیو بی بی سی یک دقیقه بگوید که طبقه کارگر ایران فاقد شکل است و این را جنبش روشنفکران (خارج کشور) اعلام کرده‌اند، اگر به اتحادیه‌ها فشار بیاوریم که به کنفرانس بین‌المللی کار فشار بیاورند تا هیئتی را برای بررسی وضعیت اسف بار طبقه کارگر به ایران بفرستند، مطرح شدن این قضیه در کنفرانس بین‌المللی کار، بی‌آبرو شدن جمهوری اسلامی و ارتقاء یافتن جنبش کارگری ایران است. برگزاری سمینارهایی در رابطه با تشکلهای کارگری، دعوت از صاحب‌نظران، ترجمه کتب جنبش جهانی کارگران به فارسی و ... وظیفه روشنفکران تقویت این مسائل است.

روشنفکران می‌بایست دست از گروه بازی برندارند. طبقه کارگر مشکلی با روشنفکران ندارد. با تمام گروهها حاضر به همکاری است. فقط نگویند که این جنبش متعلق به ماست. جنبش طبقه کارگر متعلق به همه ماست و آزاد کننده بشر از یوغ سرمایه‌داری. طبقه کارگر بدون ایدئولوژی مارکسیسم هیچ است و این ایدئولوژی توسط روشنفکران بدون طبقه می‌شود. اما بگذاریم طبقه کارگر آگاهانه حرکت مستقل خودش را به پیش ببرد. وظیفه روشنفکران آگاه کردن کارگران به مناسف طبقه‌تیشان است و حمایت بی‌قید و شرط از خواسته‌های کارگران.

□

شرکت در انتخابات حق مسلم مهاجرین و پناهندگان است

تشدید اختلافات بالائیها

داشتن يك رهبر شناخته شده در مجامع مذهبی و روحانی خود را سازمان دهند. بنیست بدانیم مرتضی الویری نماینده تهران به دفاع از ملاقات مذکور چه میگوید. از قول وی در روزنامه رسالت ۲۷ آبان میخوانیم:

"الزام میدانم تأسف عمیق خود را از برخورد دادگاه ویژه روحانیت با نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی ابراز نمایم، اظهارات شفاهی و همچنین شواهد موجود نشان میدهد که مسئله اصلی دادگاه ویژه روحانیت ملاقات نمایندگان و مخصوصاً "نایب رئیس محترم با فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری بوده است. من در اینجا لازم میدانم به صورت صریح مطالب زیر را گوشزد نمایم."

۱- ملاقات با هیچکس در جمهوری اسلامی جرم محسوب نمیشود چه رسد به آنکه يك طرف ملاقات نمایندگان مردم باشند و طرف دیگر يك فقیه و مرجع.

۲- مسئله تقلید از مراجع بخشنامه‌ای و دستوری نیست یکی از افتخارات تشیع آزادی تقلید است لذا هیچکس نمیتواند به بنده یا حدود ۸۰ تا ۱۰۰ نفر از نمایندگان مجلس که مستقل از خط و خطوط سیاسی از مرجع عالیقدر حضرت آیت الله منتظری تقلید میکنند بگوید چرا مقلد ایشان هستید."

سخنان الویری از تریبون مجلس باعث گردید که توسط دادگاه ویژه روحانیت احضار گردد هر چند که حجت‌الاسلام رحیمیان نایب رئیس دادگاه ویژه اعلام داشته است که احضار مرتضی الویری به خاطر سخنان قبل از دستور نبوده است. نمایندگان طرفدار این گرایش در سخنان قبل از دستور با به اشکال دیگر از این اقدام حمایت کردند، حال ببینیم جناح مقابل چه عکس‌العملی از خود نشان داده است.

روزنامه رسالت در سر مقاله ۲۷ آبان خود که تیتراژ آن "پیرو کدام خط" نام دارد اعلام میدارد که ملاقات اخیر، ملاقات عناصر سیاسی با اهداف سیاسی بوده است نه ملاقات مقلدین با مرجع تقلید.

روز ۲۹ آبان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اعلامیای بنام هشداربیه تضعیف کنندگان نظام و خط امام این ملاقات را محکوم و آن را خارج از خط امام قلمداد می‌کند.

حجت‌الاسلام واعظ طوسی می‌گوید: ما هرگز اجازه نخواهیم داد مسائلی که توسط گروههای ضد اسلامی و منافقین در کشور بوجود آمد تکرار شود.

جامعه انجمنهای اصناف و بازار طی اطلاعیهای این حرکت را محکوم می‌کند. فشار گرایش فوق به حدی است که حجت‌الاسلام هاشمیان طی اطلاعیهای که از تریبون مجلس قرائت گردید اعلام میدارد که رهبران طراز اول رژیم هیچگونه اختلافی با هم ندارند و همگی گوش به فرمان رهبری و مطیع وی می‌باشند.

واقعیت این است که بحران در قدرت دولتی رژیم اسلامی مربوط به امروز و دیروز نیست، جمهوری اسلامی از بدو شکل گیری‌اش دارای چنین بحرانی بوده است و هر روز به شکل دیگری تولید بحران میکند.

جمهوری اسلامی در دوران حیاتش با نیروهای وسیعی دست نه ائتلاف زده است که این ائتلافها هیچگاه پایدار نبوده اند. شکنندگی این ائتلافها بعد از مرگ خمینی بیش از سابق میباشد و نباید از نظر دور داشت که جناح غالب در صدد این نیست که تندروها را بکلی حذف کند زیرا با داشتن چنین ابوزیسیونی میتوانند مردم را فریب دهند. در يك کلام تمام جناحهای

به همین خاطر درگیری بین وزارت ارشاد و دادگاه ویژه روحانیت بر سر محاکمه مسئول روزنامه خراسان در گرفت که وزارت ارشاد معتقد به "هیئت منصفه" برای رسیدگی به جرائم مطبوعات میباشد و این حق را از دادگاه ویژه روحانیت سلب می‌کند. در صورتیکه جناح قدرتمند یعنی ائتلاف رفسنجانی خامنه‌ای از جمله سخنگوی اصلی این جناح روزنامه رسالت عملکرد این نهاد را قانونی و شرعی میدانند.

اما ببینیم جنگ و دعوی اصلی طرفین درگیر در حکومت اسلامی بر سر چیست و آیا ملاقات جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با منتظری يك ملاقات عادی محسوب میگردد یا يك تحرك سياسي جديد و سازمان‌داده يك آلت‌رئیس در مقابل جناح مقتدر در حکومت اسلامی. واقعیت این است که ریشه این اختلافات و به وجود آمدن جناحهای مختلف در حکومت اسلامی مربوط به امروز نیست و از زمان تأسیس جمهوری اسلامی موجود بوده است ولی این ائتلافها در دوران مختلف با هم فرق می‌کنند.

حدود ۴ سال قبل همزمان با انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی در "جامعه روحانیت مبارز" تهران انشعاب شد. عددهای از روحانیون از این جامعه بیرون آمدند و تشکیلی بنام "جمع روحانیون مبارز" را پایه ریزی کردند، که در دوره سوم مجلس توانستند کرسیهای زیادی را در مجلس بدست آورند و جناح رقیب را به عقب برانند. این نیرو در جمهوری اسلامی بعنوان جناح تندرو یا به اصطلاح رادیکال نامیده میشود. این گرایش نظریات خود را از طریق روزنامه‌های سلام و بیان و مجله جهان اسلام تبلیغ می‌کند. و روز به روز از جانب جناح مقابل تضعیف میشود.

بعد از مرگ خمینی و روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی جناح تندرو بخشی از پستهای کلیدی و مراکز قدرت را از دست داده است. اگر به مراکز قدرت و تصمیم گیری در هرم قدرت سیاسی رژیم اسلامی نگاه می‌کنیم بنیادین خواهیم دید که تا چه اندازه ائتلاف رفسنجانی - خامنه‌ای توانسته است جناح رقیب را از صحنه خارج کند. حذف جناح تندرو از قوه قضائیه، ترکیب هیئت وزراء، شورای نگهبان، نقش ائتلاف خامنه‌ای - رفسنجانی در شورای امنیت ملی، و حذف این نیرو در انتخابات خیرگان، همگی مبین این واقعیت است که "جناح تندرو" سنگرهای اصلی خود را از دست داده و خواهد داد. تنها سنگری که آنها توانستند حفظ کنند و از تریبون آن مواضع خود را به پیش ببرند و بخشا" در بعضی موارد چوب لای چرخ دولت رفسنجانی بگذارند، مجلس شورای اسلامی است که آن را هم در انتخابات آتی با وضعیتی که در حال تکوین است از دست خواهند داد.

این جناح به خوبی میداند که با تغییر اصل ۹۹ قانون اساسی توسط شورای نگهبان بخش وسیعی از طرفداران این جناح به مجلس راه نخواهند یافت. اختلافی که امروز بین نمایندگان جناح تندرو بر سر تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی با شورای نگهبان بوجود آمده روشنگر این مسئله است که همچون انتخابات خیرگان نمایندگان این گرایش را به حداقل می‌رسانند.

دامنه اختلاف بدانجا کشیده شده است که در روز ۱۳ آبان در تهران دو راهپیمایی صورت می‌گیرد، جناح تندرو راهپیمایی صبح را تحریم و خود مستقلاً راهپیمایی در عصر همان روز برگزار می‌کند. و در شیراز بیست دو گروه دانشجویی یعنی دفتر تحکیم وحدت و جامعه اسلامی بر سر سخنرانی اصغرزاده درگیری صورت می‌گیرد. بر مبنای چنین وضعیتی است که جناح تندرو میخواهد منتظری را در مقابل ائتلاف رفسنجانی - خامنه‌ای علم کند. آنها بخوبی میدانند که در آینده جناح رقیب آنها را از صحنه خارج خواهد کرد به همین خاطر سعی می‌کنند از پایین (توده حزب الله) و با

فعالیت ما در حمایت از پناهندگان ایرانی در پاکستان و ترکیه

اقدامات ما در حمایت از پناهندگان ترکیه

کمیته همستگی ۰۰۰ در پی آکسیونهای متعدد پناهندگان ایرانی در ترکیه با سازمان عفو بین الملل (امنیتی) تماس گرفت و ضمن حمایت از اعتراضات و مطالبات پناهندگان، خواستار پیگیری و همستگی این نهاد با پناهندگان شد. همچنین ما از تشکلهای موجود در هانوفر خواستیم تا آنها نیز از آکسیونهای پناهندگان پشتیبانی کنند. در عین حال نامه‌های اعتراضی جهت حمایت از آکسیون پناهندگان به دفاتر UNHCR در ژنو، ترکیه، آلمان و همچنین صلیب سرخ بین الملل ارسال نمودیم که متن آن ذیلاً از نظراتن هواهد گذشت.

خانمها و آقایان محترم!

پناهندگان ایرانی مقیم ترکیه که تحت پوشش UNHCR قرار دارند در وضع بسیار دشواری به سر می‌برند و از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی محروم هستند.

در حالیکه طبق آمار مندرج در بولتن مورخ اکتبر ۹۱ شهرداری آنکارا، حداقل هزینه غنایی يك خانواده ۴ نفری در ماه بیش از ۸۰۰ هزار لیر میباشد، كل كلك هزینه‌ای که UN در سال جاری به خانواده‌های ۴ نفره پناهنده پرداخت نموده به طور متوسط ماهیانه معادل ۵۷۰ هزار لیر بوده است. این در حالیست که بسیاری از پناهجویان از جانب UN به رسمیت شناخته نشده و همین مبلغ ناچیز را نیز دریافت نکردند. جواب نادانگه پناهندگان مدتها به تأخیر می‌افتد، و آنها در بلاتکلیفی قرار دارند. وضعیت بهداشت و درمان ایشان بشدت وخیم است، پناهندگان دائماً تحت فشار و برخوردهای توهین آمیز پلیس ترکیه قرار دارند، آمار خودکشی و تعداد کسانی که به بیماریهای روانی دچار شدند در میان پناهندگان به شدت افزایش یافته است و ...

در این رابطه جمعی از پناهندگان ایرانی مقیم ترکیه به آکسیونهای اعتراضی متعددی با خواسته‌های زیر دست زدند:

۱- پرداخت کمک هزینه لازم جهت برخورداری از حداقل امکانات يك زندگی انسانی به کلیه پناهندگان از بدو مراجعه به UN و افزایش آن متناسب با نرخ تورم.

۲- تسریع در امر جوابگویی به مصاحبه‌ها و بازگشائی مجدد پرونده‌های بسته شده.

۳- ارائه خدمات درمانی به کلیه پناهندگان.

۴- پرداخت هزینه ورود - خروج (به منظور تمدید مدت اقامت در ترکیه) به پناهندگان دارای پاسپورت و هزینه دفترچه اقامت صادره از سوی دولت ترکیه به پناهندگان فاقد پاسپورت.

آنان این خواسته‌ها را با مسئولین UNHCR در میان گذاشتند. اما متأسفانه مسئولین UNHCR ترکیه تاکنون به خواسته‌هایشان ترتیب اثر ندادند.

ما از خواسته‌های این پناهندگان پشتیبانی نموده و از شما درخواست داریم موضوع را پیگیری نموده و از تمامی امکانات خویش در جهت بهبود شرایط ایشان استفاده کنید.

با سلامهای دوستانه □

متن نامه ما در حمایت از پناهندگان ایرانی در پاکستان

در پویش شماره ۲۰ متن نامه والتر بریل - دستیار حقوقی سازمان ملل در آلمان - به کمیته همستگی ۰۰۰ را درج کردیم. این نامه پاسخی

بود به نامه اعتراضی آمیز ما در مورد وضعیت پناهندگان ایرانی مقیم پاکستان و مسئله بسته شدن دفاتر UNHCR در پاکستان.

ما در جواب والتر بریل و دفتر UNHCR در آلمان، نامهای ارسال داشتیم که ترجمه آن را در زیر ملاحظه می‌کنید.

آقای والتر بریل محترم!

نامه مورخ ۱۲ سپتامبر شما که پاسخی بود به ابراز نگرانی ما از ادامه کاری دفاتر UNHCR در پاکستان، را دریافت کردیم و از بابت ارسال آن از شما تشکر می‌نماییم. ما همچنین از زحماتی که در جهت پیگیری موضوع و تماس با دفاتر UNHCR در ژنو و پاکستان متقبل شداید، قدرناسی می‌کنیم.

از آنجا که UNHCR موظف است طبق قراردادهای بین المللی از جمله قرارداد ژنو از حقوق پناهندگان پشتیبانی نماید، یادآوری نکات زیر را در مورد وضعیت غیر قابل تحمل پناهندگان ایرانی مقیم پاکستان ضروری می‌دانیم:

۱- وضعیت عمومی پناهندگان ایرانی در پاکستان طی سالهای گذشته رو به وخامت گذاشته است. فقر و فلاکت فزاینده و کمبود امکانات رفاهی، موارد بشمار تعقیب و پیگرد پناهندگان توسط دولت پاکستان و افزایش تعداد کسانی که از فرط درماندگی دست به خودکشی می‌زنند و یا به بیماریهای روانی دچار می‌گردند، شاهد این ادعاست.

در این رابطه گزارشات متعددی به دست ما می‌رسد که متأسفانه حاکی از اینست که UNHCR نتوانسته به تعهدات خویش در جهت دفاع از حقوق پناهندگان و بهبود شرایط زیست ایشان عمل نماید و وضعیت پناهندگان همچنان رو به وخامت است.

۲- شرایط پناهجویانی که تقاضای پناهندگی‌شان از جانب UNHCR پذیرفته نشده، به مراتب بدتر است. این پناهجویان عملاً هیچگونه امنیت جانی ندارند و جزو نخستین کسانی هستند که با توجه به قرارداد استرداد مجرمین که بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان منعقد شده، خطر اخراج از پاکستان ایشان را تهدید می‌کند.

وضع این دسته از پناهجویان از تاریخ سپتامبر ۱۹۹۰ که UNHCR اعلام کرد دیگر کارت سفید ایشان را تمدید نمی‌کند، بشدت رو به وخامت گذاشته است. آنها در حال حاضر فاقد کارت شناسایی بوده و هر لحظه در معرض خطر دستگیری و زندان و نهایتاً استرداد به ایران قرار دارند.

۳- تعدادی از پناهجویان ایرانی سالهاست در زندانهای پاکستان به سر می‌برند و با اینکه مدت محکومیتشان به پایان رسیده همچنان از آزادی ایشان مانعیت به عمل آمده است.

یکی از این پناهجویان صفر بهرامی است. وی که به جرم ورود غیر قانونی به پاکستان به ۶ ماه زندان محکوم شده بود، هم اکنون مدت ۵ سال است که در زندان حیدر آباد به سر می‌برد. UNHCR اگر چه مدتها پیش از طریق شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی- پاکستان در جریان وضع صفر بهرامی قرار داشته اما طبق اطلاعات ما متأسفانه تاکنون هیچگونه اقدامی در جهت آزادی وی انجام نداده است.

ما از دفتر UNHCR در آلمان اکیداً می‌خواهیم از طریق تماس مستمر با دفتر UNHCR در پاکستان و با استفاده از تمامی امکانات خویش در جهت بهبود وضعیت پناهندگان ایرانی مقیم پاکستان اقدام نماید.

با تقدیم احترامات

کمیته همستگی با مبارزات مردم

ایران ۹۱/۱۱/۳۰

□

گزارشی از آکسیونهای پناهندگان ایرانی در ترکیه

در تاریخ ۹۱/۱۱/۲۶ تعدادی از پناهندگان در دفتر حقوق بشر اقدام به اعتصاب غذا کردند. همزمان با این اعتصاب غذا آکسیون نیز از طرف پناهندگان و در حمایت از اعتصاب غذا برگزار شد.

فردای آروز در تاریخ ۹۱/۱۱/۲۷ مجدداً آکسیون دیگری در همسنگی با اعتصابیون برگزار گردید و اطلاعیه‌ای از سوی کمیته تدارک برای اتحاد سراسری پناهندگان ایرانی در ترکیه به حمایت از اعتراضات پناهندگان صادر شد.

در این اطلاعیه ضمن حمایت از اعتصاب غذای گروهی از پناهندگان از سایرین خواسته شده بود در آکسیونهایی به پشتیبانی از اعتصاب غذا (خواستهای چهارگانه مذکور) که از سوی این کمیته همه روزه (به جز روزهای تعطیل) برگزار می‌شود، شرکت نمایند.

در این میان پناهندگان شهرستانهای قونیه، چانکیری و قیرشهر با جمع آوری امضاء حمایت و پشتیبانی خود را با دوستان و همدردانشان در آنکارا بیان داشتند. پناهندگان قونیه همچنین با صدور دو اطلاعیه همسنگی خود را با مطالبات پناهندگان اعلام کردند.

حرکات هماهنگ و اراده جمعی پناهندگان باعث شد تا دبیر انجمن حقوق بشر ترکیه (آقای اکین بیروال) بیانیه مطبوعاتی را در حمایت از آکسیون پناهندگان انتشار دهد. در این بیانیه حمایت انجمن حقوق بشر ترکیه از خواستهای پناهندگان اعلام شده بود.

گزارشگر: عبدالله

در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۲ از سوی کمیته تدارک برای اتحاد سراسری پناهندگان ایرانی در ترکیه و با شرکت جمعی از پناهندگان آکسیون بر علیه شراب — ط مشقت بار پناهندگان در جلوی ساختمان UN برگزار شد. پناهندگان در این آکسیون خواستهای زیر را مطرح کردند:

- ۱- پرداخت کمک هزینه لازم جهت برخورداری از یک زندگی انسانی به کلیه پناهندگان از بدو مراجعه به UN و افزایش آن متناسب با نرخ تورم در ترکیه.
- ۲- تسریع در جوابگویی به صاحبها و بازگشائی پروندههای بسته شده.
- ۳- برخورداری کلیه پناهندگان از امکانات درمانی - بیمارستانی.
- ۴- پرداخت هزینه کیمیک به پناهندگان فاقد پاسپورت و پرداخت هزینه گریش - چیکیش به پناهندگان دارای پاسپورت.

ولی مسئولین UN هیچگونه توجهی به خواستهای مطرح شده از طرف پناهندگان نمودند.

پناهندگان در تقابل با بی توجهی مسئولین و در جهت تحقق خواستههایشان تصمیم به استمرار حرکات اعتراضی خود گرفتند. بر این اساس بار دیگر از سوی کمیته مذکور آکسیون دیگری در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۹ برگزار و بر روی خواستهای قبلی تأکید شد.

اما این بار نیز مطابق معمول با جواب سر بالائی متصدیان UN روبرو گشتند. پناهندگان با پافشاری بر روی مطالبات خود بر تداوم آکسیونها همراه با اعتصاب غذا تأکید نمودند.

عرصههایی از فعالیت انجمن مهاجرین و پناهندگان ونکوور

همانطور که میدانیم یکسال و چندماه پیش "انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی - ونکوور" در کانادا بوجود آمد.

یکی از عرصههای فعالیت این رفقا که می‌تواند برای تشکلهای فعال پناهندگی در سایر کشورها نیز الهام بخش باشد، حمایت های ایشان از پناهندگان ترکیه و پاکستان و جلب پشتیبانی بخشی از احزاب و شخصیت های سیاسی کانادا در این رابطه است.

این دوستان در چند نوبت و در ماههای مختلف اقدام به فرستادن نامه های اعتراضی نسبت به وضعیت دشوار پناهندگان ترکیه و پاکستان به مجامع بین المللی از قبیل سازمان ملل و سازمان عفو بین المللی و همچنین مقامات دولتی، نمایندگان مجلس و احزاب سیاسی کانادا کردند.

در نتیجه این فعالیتها چندین نماینده مجلس کانادا و نمایندگان چند حزب سیاسی پشتیبانی خود را از پناهندگان ترکیه و پاکستان اعلام نموده و قول دادند شخصاً موضوع را دنبال کنند.

تجربه مثبت دوستان متشکل در انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی - ونکوور نشان میدهد که می‌توان با یک فعالیت منظم، واکنش و حمایت بخشی از جریانات سیاسی جامعه را به نفع پناهندگان برانگیخت و آنها را در این جهت به حرکت واداشت.

علاقصندان تماس با رفقای متشکل در انجمن مذکور می‌توانند با آدرس زیر مکاتبه کنند:

P.O. BOX: 15523

Vancouver, B.C. V6B-5B3

CANADA

پست

نشریه کمیته همسنگی با مبارزات مردم ایران

آدرس:

Solidaritätsverein

mit iranischen völkern

Postfach 5311

3000 Hannover 1

W-Germany

با اشتراك:

آلمان

بکاله ۳۰ مارک

ششماه ۱۵ مارک

بیکر کشورها

بکاله ۳۲ مارک

ششماه ۱۶ مارک

نام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است.

تک فروشی: ۲ مارک

آشنایی با برخی جنبه‌های طرح بازار داخلی اروپا (قسمت دوم)

در بخش اول يك تصوير عمومي از انگیزه‌ها، منافع و اهدافی که سرمایه داری ۱۲ کشور "جامعه اروپا" و دول حامی آنان از تحقق بازار داخلی دنبال میکنند و اقتضائاتی که ایشان برای عملی نمودن چنین بازاری لازم می‌دانند، داده شد. برآی این منظور سه سند مهم که ایندهای پایایی در آنها موضع مشترک تمامی دولت‌های عضو به حساب می‌آید، معرفی گردید.

در این قسمت و قسمت های بعدی هدف این است که از آن تصویر عمومی فراتر رفته و با توجه به واقعیات موجود ابتدائاً "رابطه طرح بازار داخلی با پراتیک دولتهای عضو جامعه اروپا در دهه اخیر بررسی شود. زیرا با شناخت مکان و جایگاه این طرح در پراتیک تاکتونی دول جامعه اروپا (EG) و نیت‌های سرمایه داری اروپا می‌توان قضاوت واقعی‌تر و علمی‌تری در مورد آن بدست آورد و تأثیرات این طرح را بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه اروپا بهتر درک کرد. برای ساده‌تر شدن بررسی، رابطه طرح مذکور با پراتیک دولتهای اروپایی در دهه اخیر را در سه سطح در نظر می‌گیریم:

۱- سیاستها و خط و مشی اقتصادی دولتهای جامعه اروپا. در این قسمت عمدتاً بر روی رابطه دولت و مالکیت بر سرمایه و محدودیت دخالت دولت در اقتصاد تأکید میشود.

۲- شرایط رست و سطح زندگی مردم. در اینجا مسئله محوری را چگونگی سرمایه‌داران و دولتهای حامیان با کارگران بر سر شرایط کار (استمزدها، ساعت کار، ایمنی کار، بیمه‌های اجتماعی و...) تشکیل می‌دهد. زیرا بر حسب قاعده به درجهای که حقوق اجتماعی - اقتصادی کارگران در جامعه سرمایه داری افزایشی یابد، به همان درجه نیز اکثریت جامعه به طور نسبی از تأمین اجتماعی و رفاه اقتصادی بیشتری برخوردار می‌شوند.

۳- تأثیر این طرح بر شرایط سیاسی کشورهای عضو جامعه اروپا. در این بخش به طور اساسی سرنوشت حقوق و دستاوردهای دمکراتیکی مورد نظر است که طی دهها سال مبارزه کارگران، زنان، دانشجویان و سایر اقشار اجتماعی به دست آمده‌اند. از آن جمله اند: آزادی نسبی عقیده، بیان و قلم، آزادی نسبی تظاهرات و تشکل و اعتصاب، حقوقی که زنان به دست آورده‌اند، حق پناهنگی و...

در این شماره نشریه ابتدا يك اشاره مختصر به پراتیک اقتصادی - اجتماعی دولتهای اروپایی در دهه ۸۰ شده و سپس رابطه خصوصی کردن‌ها در دهه اخیر با طرح بازار داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قسمتهای بعدی به ترتیب در مورد ابعاد اجتماعی و سیاسی قصبه بحث می‌گردد.

نگاهی به تحولات دهه ۸۰

تا آنجا که به موضوع مورد بحث ما مربوط است، مهمترین تحول در جامعه اروپا (EG) در دهه ۸۰ محدود نمودن الگوی "دولت اجتماعی" (Sozialstaat) یا "دولت رفاه" در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بود. بررسی همه جانبه "دولت رفاه" و محدودیتهایی که از اواخر دهه ۷۰ به آن - تحمیل گردیده بحث وسیعی را می‌طلبد که نیاز به مطالعه و شناخت گستردهای دارد و از حد توانایی‌های کنونی من خارج است. تعدادی از ما از چندی پیش مطالعه‌ای را در این زمینه آغاز کردیم که امیدواریم در آینده بتوان نتایج این مطالعه جمعی را به صورت تدوین شده و بختی ارائه داد. در اینجا تنها کوشش می‌کنم يك شمای عمومی از موضوع بدست دهم. هر چند این شما و مختصاتی که در زیر در مورد "دولت رفاه" یا "دولت اجتماعی" می‌آید عمق و پیچیدگیهای مسئله را به خوبی منعکس نمی‌کند اما به نظر من برای بحث حاضر کافی می‌باشد.

اساسی سیاستهای "دولت اجتماعی" که برای اولین بار در ایالات متحده سالهای ۳۰ به اجرا در آمد و پس از جنگ جهانی دوم بتدریج در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری مستقر شد، عبارت بود از دخالت دولت در زمینهای زیر:

- دخالت و کنترل عملکرد خود به خودی اقتصاد بازار آزاد. هدف بنیادین این امر ایجاد تعادل بین تولید و مصرف از طریق بالا بردن تقاضای موثر جامعه، تأمین اشتغال کامل و توزیع عادلانه‌تر در آمدها و به منظور حفظ ثبات و تأمین

رشد اقتصادی سرمایه‌داری بود.

در همین رهگنر در کشورهای پیشرفته سرمایه داری به طور متوسط حدود ۲۵ درصد صنایع دولتی شدند و فراتر از آن دولتها در سطح وسیعی بر جهت گیریهای عمومی اقتصاد سرمایه‌داری تأثیر گذاشتند.

- جلوگیری از وقوع رکود و بحرانهای اقتصادی و یا تعدیل و کنترل آنها.

- تضمین رشد اقتصادی مداوم.

- دادن برخی امتیازات اجتماعی به کارگران و تهیدستان (به وجود آوردن محل‌های کار جدید با هدف اعلام شده "تأمین اشتغال کامل"، ایجاد سیستم بیمه های اجتماعی، تأمین خدمات اجتماعی و...) برای حفظ و تحکیم اساسی نظام سرمایه‌داری، به سازش کشاندن و مهار جنبش کارگری و تعدیل بحرانهای اقتصادی از طریق جلوگیری از سقوط قدرت مصرف جامعه و ایجاد شغل‌های جدید.

برای تحقق اهداف خود دولت به يك سلسله فعالیتهای گسترده اقتصادی دست می‌زد که مهمترین آنها عبارت بودند از: تعیین جهت گیریهای عمومی اقتصادی و دادن امتیازاتی به موسساتی که از این جهت گیریها پیروی میکردند؛ ملی کردن نسبتاً گسترده صنایع و بانکها در غالب کشورهای اروپایی و آمریکا؛ سرمایه گذاری در پروژههای عمرانی و بخش خدمات و به کار گماردن بخشی از نیروی کار در این پروژهها؛ حمایت گسترده از رشتههایی که به تحقق ارزش اضافه و نیازهای عمومی سرمایه داری می‌رساندند ولو اینکه این رشتهها به اندازه کافی سود آور نبوده باشند، اتخاذ سیاستهای مالی و سیاستهای پولی (۱۱) به منظور تقویت و تنظیم اقتصاد بازار آزاد و افزایش تقاضای موثر.

از نظر سیاسی، "دولت اجتماعی" غالباً با شرکت احزاب سوسیال دمکرات درحکومت مشخص می‌شدند و یا لاقلاً سیاستهای "دولت اجتماعی" مشابه زیادی با برنامه و خط و مشی احزاب مذکور داشت.

در عرصه جدال کار و سرمایه، "دولت اجتماعی" یا "دولت رفاه" بدون هیچ تردیدی از ضامن سرمایه دفاع می‌کرد. این دولت برای کنترل و مهار جنبش کارگری به تقویت گرایش رفه‌پرستی و تربیونیستی در درون این جنبش، در مقابل گرایشات رادیکال می‌پرداخت و در درون اتحادیهها نیز به تقویت بوروکراسی، سرکوب و مهار ابتکارات و مبارزات خود جوش توده کارگران و جلب رهبران اتحادیه و دور کردن ایشان از توده کارگران یاری می‌رساند. براین بستر بود که برای توافق بر سر شرایط کار، يك مدل کنوپراتیستی غالب گردید. طبق این مدل مبارزه بر سر شرایط کار با حضور سه طرف انجام می‌گردد: کار فرمایان، دولت و رهبران اتحادیه. نمایندگان کارفرمایان با نظارت دولت، با رهبران اتحادیهها بر سر شرایط کار مذاکره نموده و با یکدیگر قرار داد کار منعقد می‌کنند. (۱۲) این قرار دادهای کار غالباً برای توده وسیعی از کارگران معتبر بوده و محدود به يك یا چند کارخانه نمی‌شود.

در دوره استقرار "دولت اجتماعی" جنبش کارگری اروپا موفقیت‌هایی در جهت بهبود شرایط کار (کاهش ساعات کار، افزایش مرخصیها، بالا رفتن استانداردهای ایمنی و بهداشت محیط، بدست آوردن امتیازاتی در زمینه حق اعتصاب و...) بدست آورد و همچنین در بسیاری کشورهای جامعه اروپا سیستم گستردهای از بیمه‌های اجتماعی برای تأمین حداقل زندگی اهالی کشور بوجود آمد. در این دوره درصد قابل ملاحظه‌ای از هزینههای دولت صرف بیمه‌های اجتماعی شد. در این رابطه کافی است اشاره کنیم که در سال ۱۹۷۷ سهم هزینههای مربوط به بیمه‌های اجتماعی نسبت به کل هزینههای دولتهای آلمان، فرانسه، ایتالیا و هلند به ترتیب ۴۳، ۴۶، ۳۹/۳ و ۴۴/۵ درصد بود. (۱۳)

اما الگوی اقتصادی - اجتماعی "دولت رفاه" که زمانی به عنوان درمان همه دردهای سرمایه‌داری تبلیغ می‌شد و تئورسینهای بورژوا را به این فراست اناخته بود که آن را به منزله علاجی برای همه بحرانها و رکودهای اقتصادی سرمایه داری و تضمین رشد مداوم اقتصادی معرفی کند، ناتوانی خود را در حل بحرانهای اقتصادی دهه ۷۰ و ۸۰ به نمایش گذاشت و سرانجام این الگو در دهه ۸۰ تا حدود زیادی کار گذاشته شد و سیاستها و خط و مشی "راست جدید" (neue Rechte) یا "لیبرالیسم نسو" در میان احزاب و دول سرمایه‌داری غرب مقبولیت یافت. این بار بسیاری از تئورسینهای بورژوا مکانیزم و عملکرد "دولت رفاه" را باعث و بانی بروز بحرانهای

آشنایی با برخی جنبه‌های طرح بازار داخلی اروپا (قسمت دوم)

سرمایه‌داری دانسته و تمامی کاسه کوزه‌ها را بر سر آن شکستند! (۱۴)

در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در غالب کشورهای جامعه اروپا یا احزاب دست راستی به روی کار آمدند (حزب محافظه کار در انگلستان، حزب دمکرات مسیحی در آلمان و...) و یا احزاب سوسیال دمکراتی که در قدرت بودند همچون نمونه‌های فرانسه و ایتالیا بتدریج پلاتفرم "راست جدید" را پذیرفتند. این واقعات باعث گردید که جامعه شناسانی چون هابرماس و دارن دورف از "پایان پروژه دولت اجتماعی" و "پایان قرن سوسیال دمکراسی" سخن برانند. (۱۵)

اساس اقتصادی سیاستهای "راست جدید" را کاهش دخالت دولت در اقتصاد به حداقل ممکن، دفاع بی قید و شرط از انگیزش های سود و سرمایه گذاری و تقویت سرمایه داری خصوصی، سپردن اقتصاد به دست قانونمدنها و مکانیزمهای خود به خودی بازار آزاد و تهاجم به سطح زندگی و دستاوردهای کارگران تشکیل می‌دهد.

از نظر اجتماعی این سیاستها در کلی‌ترین خطوط منجر به تحمیل شرایط بدتر کار به کارگران، کنار گذاشتن اسطوره "اشتغال کامل" و تحمیل بیگاری به بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار، کاهش بیمه‌ها و حقوق اجتماعی و تضعیف اتحادیه‌های کارگری با هدف پس زدن و سرکوب مبارزات کارگری شده است. (۱۶)

برای اینکه از سطح عمومی و کلی بحث فراتر روم، ابتدا با اشاره به نمونه‌های مشخص انگلیس، فرانسه و آلمان نگاهی به سیاستهای دول اروپایی در زمینه خصوصی کردنها می‌انجامیم و ارتباط این سیاستها را با طرح بازار داخلی نشان می‌دهیم و سپس در قسمتهای بعدی، همین شیوه را در ارتباط با سیاستهای دول مذکور در زمینه اجتماعی و حقوق و سطح معیشت کارگران و زحمتکشان به کار می‌بندیم.

موج خصوصی کردنها در دهه ۸۰

از نظر اقتصادی بارزترین و ملموسترین مشخصه محدود کردن الگوی "دولت اجتماعی" را، موج خصوصی کردنها تشکیل می‌دهد. خصوصی کردن موسسات دولتی همچنین منجر به لغو مقررات دولتی در این موسسات در زمینه شرایط کار و معیارهای مزبویت محصولات تولید شده، گردید. موضوع اخیر را اصطلاحاً "لغو مقررات" (Deregulierung) می‌نامند. لغو مقررات دولتی باعث شد دست کارفرمایان در تحمیل شرایط بدتر کار در کارخانه‌های منفرد بازتر گردد. (۱۷)

نقطه عزیمت بحث خصوصی کردنها و لغو مقررات دولتی در ایالات متحده اواسط دهه ۷۰ بود. در زمان ریاست جمهوری جerald فورد و جیمی کارتر خصوصی کردن و لغو مقررات دولتی در مقیاس وسیعی متحقق شد. یکی از نمونه‌های این امر تصویب قانون خصوصی کردن شرکتهای هواپیمایی (Airline Deregulation Act) در سال ۱۹۷۸ بود که خصوصی کردن وسیع این شرکتهای آمریکا را به دنبال داشت. پس از آن کشورهای اروپایی نیز به تدریج از این گونه اقدامات اقتصادی ایالات متحده پیروی کردند.

انگلیس در دوره نخست وزیری مارگارت تاجر مهمترین نمونه خصوصی کردن صنایع دولتی در اروپاست. دولت تاجر نه تنها در زمینه خصوصی کردنهای دهه ۸۰ در اروپا پیشقدم بود بلکه این امر را به شکل رادیکال‌تر و همه جانبه تری پیش برد. تنها در فاصله به قدرت رسیدن حکومت محافظه کار در سال ۱۹۷۹ تا پایان اکتبر ۱۹۸۷، معادل ۲۵ میلیارد پوند از سهام صنایع دولتی به بخش خصوصی فروخته شد. در همین فاصله در مجموع بیش از ۶۰۰ هزار محل کار از بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل گردید. اهمیت مسئله زمانی روشن می‌شود که بنابینم در زمان قدرت گیری حکومت محافظه کار (۱۹۷۹) حدود ۱/۵ میلیون تن در موسسات دولتی اشتغال داشتند.

روند خصوصی کردن در انگلیس در ابتدا نسبتاً با احتیاط و به طور مرحله‌ای پیش برده شد. بدین ترتیب بین نوامبر ۷۹ تا پایان سال ۸۳ مجموع سهام فروخته شده هنوز به ۱/۵ میلیارد پوند نمی‌رسید. اما از سال ۸۴ روند مذکور شتاب گرفت. در این سال مجموعاً ۴ میلیارد و ۶۵۴ میلیون پوند از سهام شرکتهای دولتی فروخته شد. در این میان فروش ۳/۹ میلیارد پوند از سهام شرکت بریتیش تلکم در نوامبر ۸۴ نقطه عطفی را نشان میداد. از نقاط عطف دیگر در روند خصوصی کردنها، فروش تمامی سهام انحصارات بریتیش گاز به قیمت ۵/۴ -

میلیارد پوند در پایان سال ۸۶ و فروش ۷/۲ میلیارد پوند از سهام شرکتهای بریتیش پترولیوم در اکتبر ۸۷ بودند. (۱۸)

روند خصوصی کردن در انگلیس در سالهای اخیر نیز همچنان ادامه یافته است.

مجموعه اقدامات دولت محافظه کار انگلیس باعث شده که موقعیت مسلط موسسات دولتی در بسیاری از رشته‌های صنعتی از جمله در رشته‌های حمل و نقل، انرژی، ارتباطات و صنایع فلزی - که در سال ۱۹۷۹ وجود نداشت - از میان برود.

در فرانسه روند خصوصی کردنها در دهه اخیر با فراز و نشیبهای بسیاری همراه بوده است. با پیروزی میتران در انتخابات سال ۱۹۸۱ و به قدرت رسیدن دولت ائتلافی سوسیال دمکراتها و "چپها" موجی از دولتی کردنهای گسترده در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ به وقوع پیوست. بدین ترتیب در سال ۱۹۸۲، ۱۸/۲ درصد کل شاغلین در بخش صنعت و ۶۷/۸ درصد کل کارکنان بانکها و موسسات اعتباری در موسسات دولتی کار می‌کردند. این ارقام در سال ۱۹۷۹ به ترتیب ۶/۱ درصد و ۴۶/۸ درصد بود.

نامنه دولتی کردنها در آن زمان چنان بود که جین ماکسیم لوکو، رئیس موسسه Credit Commercial de France در سال ۱۹۸۴ بیان کرد که از سال ۱۹۸۲، موسسات دولتی فرانسه "پس از شوروی بزرگترین امپراطوری اقتصادی جهان" بودند. (۱۹)

فرانساو میتران بعدها علت دولتی کردنها سالهای ۸۲-۸۱ را بازسازی صنایع و بانکها و حمایت از آنها در مقابل شرکتهای خارجی عنوان کرد. (۲۰)

از سال ۱۹۸۳ به بعد پروسه دولتی کردنها متوقف شد و به مدت سه سال ایسین وضع ادامه پیدا کرد. تا آنکه در سال ۱۹۸۶ دولت ائتلافی محافظه کاران و لیبرالها به ریاست ژانک شیراک تشکیل شد. دولت شیراک در ماه مه ۱۹۸۶ اعلام کرد که قصد دارد تا سال ۹۱، ۶۵ موسسه دولتی را که مجموعاً ارزش سهامشان حدود ۲۵۰ میلیارد فرانک است، به فروش برساند. این موسسات شامل ۴۲ بانک، ۱۳ شرکت بیمه، ۹ گروه صنعتی که هسته صنایع فرانسه را تشکیل می‌دهند و یک کسرن مطبوعاتی به نام Agence Havas می‌شد. طبق این برنامه نه تنها تمامی موسساتی که در سال ۱۹۸۲ ملی شده بودند (۳۹ بانک و ۵ کسرن صنعتی) دوباره خصوصی می‌گشتند بلکه علاوه بر آن موسساتی چون سه بانک بزرگ فرانسه (بانک ملی پاریس، Societe Generale و Credit Lyonnais) که از سال ۱۹۴۵ به بعد دولتی بودند، خصوصی می‌شدند. (۲۱) تا اواخر سال ۱۹۸۷ حدود ۴۰ درصد از برنامه دولت شیراک عملی شد و مجموعاً معادل ۱۰۰ میلیارد فرانک فرانسه از سهام موسسات دولتی به فروش رسید. (۲۲)

اما روند خصوصی کردنها با پیروزی مجدد میتران در انتخابات ریاست جمهوری ماه مه ۸۸ و برکناری ژانک شیراک متوقف شد و از آن تاریخ تا اوایل سال ۹۱ وقفه‌ای در روند خصوصی کردنها پدید آمد. از اوایل سال ۹۱ نشانه‌هایی در زمینه از سر گیری پروسه خصوصی کردنها منتهی این بار به گونه‌ای محتاطانه تر دیده می‌شود. در این راستا دولت روگارد در اواسط آوریل گذشته اعلام کرد که ۴۹ درصد سهام موسسات دولتی موجود می‌تواند از جانب بخش خصوصی خریداری شود. (۲۳)

هم اکنون نیز بحث بر سر فروش بخشی از سهام موسسات بزرگ دولتی از جمله شرکت بخت آزمایشی و شرکت هواپیمایی ایر فرانس در جریان است. (۲۴)

در آلمان غربی پس از به روی کار آمدن حکومت ائتلافی دمکرات مسیحی ها (CDU)، سوسیال مسیحی‌ها (CSU) و لیبرال ها (FDP) در اکتبر ۱۹۸۲، مسئله خصوصی کردن در مرکز توجه قرار گرفت. در ارتباط با این مسئله اولین مصوبه دولت ائتلافی به تاریخ اکتبر ۱۹۸۳ در مورد خصوصی کردن کسرن بزرگ VEBA بود. این کسرن در رشته‌های انرژی، شیمی، تجارت و حمل و نقل فعالیت می‌کند. به دنبال مصوبه مذکور در ژانویه ۸۴، سهم دولت در این کسرن از ۴۳/۷۵ درصد به ۲۹/۹۸ درصد تقلیل یافت و مجموعاً ۲۳۲ میلیون مارک از سهام دولتی VEBA به فروش رسید.

در مارس ۸۵ دولت ائتلافی یک نقشه عمومی را همراه با ۱۳ مورد خصوصی کردن

آشنایی با برخی جنبه‌های طرح بازار داخلی اروپا (قسمت دوم)

به اشارت‌های به رابطه گسترش بخش خصوصی و تمرکز سرمایه‌ها با طرح بازار داخلی اکتفا می‌کند. امیدوارم در قسمتهای آینده بتوان بخش دیگری از مقاصد اقتصادی دول جامعه اروپا که بویژه بر سطح زندگی و معیشت کارگران و تهیستان تأثیر دارد (تغییر ساختارهای مالیاتی، کاهش بیمه‌ها و خدمات اجتماعی، تلاش در جهت تحمیل شرایط بدتر کار به کارگران و...) را مورد بررسی قرار داد.

همانطور که در قسمت اول مطلب حاضر که در پویش شماره ۱۹ منتشر گردید، متذکر شدم، از جمله اقداماتی که کمیسیون جامعه اروپا برای تحقق بازار داخلی ضروری می‌داند عبارتست از: احیاء انحصارات دولتی در رشته‌هایی که هم اکنون در انحصار دولتها می‌باشد (مثلاً "در پست و راه آهن). هدف از این اقدام گسترش فعالیت بخش خصوصی، صرفه جویی در هزینه‌ها و همچنین لغو امتیازاتی است که هر دولتی برای کارمندان و کارگران ملت خود در زمینه استخدام قائل است.

هفته نامه اسپیکر در این باره می‌نویسد:

"کمیسیون EG (جامعه اروپا) قصد دارد به یراتیک دولتهای عضو که طبق آن از طریق حق کارمندی شغلها را برای شهروندان خودی رزرو می‌کند، خاتمه دهد.

از نظر این کمیسیون (حق ویژه برای شهروندان هر کشوری) در مورد استخدام در ارتش و پلیس، دادگستری، مشاغل دیپلماتیک و وزارتخانه‌ها هنوز قابل تحمل است. اما برای تمامی مشاغل دیگر از سال ۱۹۹۳ بر نسبی تساوی حقوق وجود خواهد داشت؛ هر کارکن جامعه اروپا از شانس مساوی اشتغال (برخوردار خواهد بود)" (۲۹)

به عبارت دیگر، به اعتقاد کمیسیون جامعه اروپا، تحقق بازار داخلی می‌بایست با تنزل فعالیت و دخالت دولتها به حداقل ممکن در اقتصاد و محدود شدن قلمرو عملکرد ایشان به ارگانها و نهادهای کلاسیک دولتی (ارتش، پلیس، دستگاه قضایی و وزارتخانه‌ها) همراه باشد.

عامل دیگری که در آینده موجب کاهش باز هم بیشتر دخالت دولتها در اقتصاد می‌شود، ضرورت تمرکز و انعام سرمایه‌ها و افزایش دامنه همکاریهای فراملیتی بین موسسات اروپایی است.

با تحقق بازار داخلی اروپا و بوجود آمدن یک بازار مصرف ۳۴۰ میلیونی دامنه فعالیت فراملیتی موسسات سرمایه داری افزایش یافته و رقابت بین این موسسات شدت خواهد گرفت. در شرایط جدید تمرکز سرمایه‌ها اجتناب ناپذیر خواهد بود و موسسات سرمایه داری ناگزیرند در فعالیتهای اقتصادی‌شان انعطاف پذیری، سرعت عمل و ایده‌ها و ابتکارات جدیدی به خرج دهند تا بر رقبای خویش غلبه کنند.

چشم انداز بازار داخلی اروپا تا همین جا نیز تأثیرات خود را باقی گذاشته و موسسات سرمایه داری را وادار کرده برای بالا بردن آمادگی خود در شرایط جدید با شتاب بیشتری تن به همکاری با موسسات دیگر و انعام سرمایه‌ها بدهند.

کمیسیون جامعه اروپا در گزارش سال ۱۹۸۸ خود تأکید می‌کند که وجود چشم انداز تحقق بازار داخلی، در طی سال موجب تسریع روند همکاریها و انعام سرمایه‌ها شده است. در تحقیق دیگری که کمیسیون جامعه اروپا، از حدود هزار موزه بزرگ در EG به عمل آورده، تعداد اقدام این موسسات از ۱۵۵ مورد در سال ۱۹۸۴ به ۳۰۳ مورد در سال ۱۹۸۷ افزایش یافته و پیش بینی شده است که این روند در سالهای آینده شتاب بیشتری خواهد گرفت (۳۰).

همچنین در سال ۱۹۸۸ از جانب دفتر تحقیقات بین المللی KPMG بررسی‌ای در مورد همکاریهای اقتصادی موسسات اروپایی منتشر شده است. در این بررسی ۶۹۶ شرکت سرمایه داری اروپایی مورد تحقیق قرار گرفتند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که دو سوم روسای این شرکتها با توجه به چشم انداز بازار داخلی اروپا، در حال آزمایش شکلی از همکاری با شرکتها دیگر هستند و نزدیک به سه چهارم ایشان مشارکت با چند موزه عضو جامعه اروپا را ترجیح می‌دهند (۳۱).

بنابراین افزایش فعالیتهای فراملیتی و تسریع در پیروسه تمرکز و انعام سرمایه‌ها یک نیاز سرمایه داری در جامعه اروپاست و این نیاز در شرایط کنونی با دولتی بودن موسسات سرمایه داری تناقض آشکاری ندارد زیرا موسسات دولتی مانع فعالیتهای فرا

صنایع دولتی به تصویب رساند. از جمله مهمترین این موسسات عبارت بودند از شرکت هواپیمایی لوفت هانزا و بانک مسکن و بازنشستگی آلمان.

از ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ تمامی سهام دولتی موسسات VEGA، فولکی واکن، VAG (عرصه‌های فعالیت: آلومینیوم، الکتریسیته، گاز و شیمی) و شرکت سهامی زالسگیتز (عرصه‌های فعالیت: فولاد، کشتی سازی، تأسیسات، مکانیک و الکترونیک) به فروش رسید و موسسات مذکور صد درصد خصوصی شدند و میزان سهام دولتی در بسیاری از موسسات - از جمله لوفت هانزا - تقلیل یافت.

بدین ترتیب تعداد موسساتی که دولت در آنها شرکت مستقیم یا غیر مستقیم داشت، از ۸۰۸ عدد در پایان سال ۱۹۸۲ به ۱۳۲ عدد در پایان سال ۱۹۸۹ رسید. همچنین در سال ۱۹۸۳، دولت آلمان در ۴۵ موزه از ۵۰۰ موزه آلمانی که بزرگترین میزان فروش را داشتند شرکت قابل ملاحظه‌ای داشت در حالیکه این رقم در پایان ۱۹۸۹ به تنها ۹ موزه کاهش یافت (۲۵).

هم اکنون نیز خصوصی کردن پست و راه آهن آلمان غربی به بحث روز بدل شده است. اگر چه طبق ماده ۸۷ قانون اساسی آلمان می‌بایست پست و راه آهن توسط دولت اداره شود و به همین جهت خصوصی کردن این دو رشته توأم با موانع حقوقی و سیاسی و تغییر قانون اساسی است، اما ضرورت سود آوری و افزایش توانایی رقابت در این دو رشته باعث شده که نه تنها رئیس راه آهن (هاینس دور) و رئیس شرکت پست قسمت تلکم (هلموت ریبه) بلکه همچنین افرادی چون یورگن موله مان (وزیر اقتصاد از حزب لیبرال)، تئوویگل (وزیر دارایی از حزب سوسیال مسیحی) و آرنه بورنزن (کارشناس پست از حزب سوسیال دمکرات) خواستار تغییر قانون اساسی و تبدیل پست و راه آهن به شرکتهای سهامی شوند (۲۶).

ذکر این نکته نیز لازم است که خصوصی کردن در آلمان غربی در دهه ۸۰ نسبت به انگلیس در مقیاس و با شتاب کمتری صورت گرفته است. در این مورد کافی است بدانیم که مجموع عایدی دولت آلمان از خصوصی کردنها در فاصله سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰، حدود ۱۰ میلیارد و عایدی دولت انگلیس بیش از ۱۰۰ میلیارد مارک و عایدی دولت فرانسه بیش از ۲۰ میلیارد مارک بوده است (۲۷). با این حال جهت گیریهای دول مذکور شبیه بوده و دولت ائتلافی آلمان قصد دارد روند خصوصی کردنها را همچنان ادامه دهد. این امر را نقل قول زیر از تئوویگل - وزیر دارایی آلمان - در بولتن سالیانه دولت آلمان (۱۹۹۰) به خوبی نشان می‌دهد:

"سیاست جدید دولت آلمان از سال ۱۹۸۳ در مورد شرکت (دولت در فعالیتهای اقتصادی) موفقیت آمیز بوده است. به کمک سیاست هدفمند خصوصی کردن، فعالیت اقتصادی دولت به طور مشهودی کاهش یافت. این سیاست ادامه خواهد یافت. کامکان این اصل معتبر است؛ هر جا که ممکن است می‌بایست مالکیت خصوصی به طور وسیعی جایگزین مالکیت دولتی شود." (۲۸)

در سایر کشورهای جامعه اروپا نیز سمت گیری عمومی اقتصادی دولتها کم و بیش در جهت خصوصی کردن موسسات دولتی و کاهش دخالت دولت در مکانیزم‌ها و قانون مندیهای بازار بوده است.

اما از این مقدمات چه نتایجی در رابطه با طرح بازار داخلی اروپا می‌خواهیم بگیریم؟ سوال این جاست که چه رابطهای بین خصوصی کردنها و طرح بازار داخلی اروپا وجود دارد؟

ابتدائاً "یادآوری این نکته ضروری است که سیاستهای اقتصادی دول عضو جامعه اروپا در رابطه با طرح بازار داخلی به هیچوجه تنها محدود به خصوصی کردن صنایع دولتی نمی‌شود و یک سلسله اقدامات گسترده از همکاریهای وسیع در زمینه سیاستهای پولی و نهایتاً "ایجاد یک بانک مرکزی واحد و ارز واحد گرفته تا یکسان سازی ساختارهای مالیاتی، یکسان سازی استانداردها و مقررات مربوط به کالاهای مصرفی و معیارهای مربوط به تولید و یکسان نمودن شرایط کار (سطح دستمزدها، ساعات کار و...) را در بر می‌گیرد. اما از آنجا که خصوصی کردنها حلقه مهمی از مجموعه سیاستهای دول مذکور است و این امر نقش بسزایی در محدود شدن الگوی "دولت رفاه" دارد و به علاوه روند خصوصی کردنها در سالهای اخیر را به استفاده از آمار و ارقام رسمی و غیر قابل انکار بهتر میشود دنبال کرد، در اینجا

آشنایی با برخی جنبه‌های طرح بازار داخلی اروپا - قسمت دوم

۲۱- به نقل از :
Privatisierung und Deregulierung in Westeuropa S.81

۲۲- برای آگاهی از مشخصات موسسات خصوصی شده فرانسوی در سال ۱۹۸۷

رجوع کنید به :
Privatisierung und Deregulierung.... S.81-82

۲۳- به نقل از :
Neue Arbeiterpresse, Nr. 656, 24.5.91, S.5

۲۴- رجوع شود به هفته نامه VDI Nachrichten مورخ ۴ اکتبر ۹۱ -
۱۵ ی

۲۵- برای اطلاع از چند و چون خصوصی کردن آنها در آلمان غربی رجوع کنید به :
Fritz Knauss, Privatisierung in der Bundesrepublik
Deutschland 1983-1990, Deutscher Instituts - Verlag

۲۶- در مورد مسئله خصوصی کردن پست، راه آهن و مدارس در آلمان غربی
رجوع کنید به مقاله‌ای در هفته نامه اشپینگل، مورخ ۵ اوت ۹۱، تحت عنوان :
Beamte - ein Tabu wankt

۲۷- منبع ذکر شده در یاد داشت شماره ۲۵ - ۴۵ ی

۲۸- همانجا - ۷۱ ی

۲۹- اشپینگل - ۵ اوت ۹۱ - صفحات ۳۸ - ۳۷

۳۰- به نقل از :
Die Soziale Dimension des Binnenmarktes - Teil 2;
Arbeitnehmerrechte in den europäischen Unternehmen,
Europäisches Gewerkschaftsinstitut, Brüssel 1988-S.14

۳۱- همانجا - ۶۱ ی

بقیه از صفحه ۸

تشدید اختلافات بالایی ها

مذکور در حکومت اسلامی پیروندشان برای مردم روشن و آشکار است. آنها در کلیه جنایاتی که علیه مردم صورت گرفته است سهم بودند. ساده اندیشی خواهد بود که فکر کنیم غلبه جناح رفسنجانی بر تندروها نفعی به حال مردم ستمکش دارد. هر چند که سوسیال دمکراتهای ایرانی چنین می‌اندیشند که پیروزی جناح رفسنجانی در انتخابات آتی دمکراسی را به ارمغان خواهد آورد. حقیقت این است که برنامه‌های جناحهای مختلف رژیم اسلامی هیچ نفعی به حال کارگران و زحمتکشان ندارد. و چیزی به جز فقر و بدبختی و بیگاری نصیبشان نخواهد کرد. تنها يك انقلاب اجتماعی می‌تواند پایان دهنده فلاکتی باشد که اینک نامنکر کارگران و زحمتکشان ایران است. □

(بابک) دیماه ۱۳۷۰

ملیتی هستند و مدیریت های آنها انگیزه کافی برای سود آوترز کردن موسسه خود و افزایش توانایی رقابت آن با موسسات دیگر را ندارند. همچنین از دیدگاه آنها در صورت خصوصی شدن کارخانها می‌توان در صفوف کارگران بیش از پیش تفرقه انداخت و شرایط بدتر کار را به ایشان تحمیل کرد. با توجه به مسائل بالا می‌توان نتیجه گرفت که در زمینه اقتصادی، طرح بازار داخلی اروپا مستلزم ادامه سیاستهای دول جامعه اروپا طی دهه اخیر در جهت محدودیت هر چه بیشتر در الگوی "دولت رفاه" است. سیاستی که طبق آن دخالت دولت در حوزه اقتصاد به حداقل رسیده و دامنه فعالیتهای بخش خصوصی حتی الامکان افزایش می‌یابد.

در قسمتهای بعدی ضمن مکت بیشتر بر عملکرد دولتهای عضو جامعه اروپا در دهه اخیر در عرصه اجتماعی، براین نکته تأکید می‌کنیم که سرمایه‌داری اروپا و دولتهای حامی آن قصد دارند فشار و محدودیت باز هم بیشتری در زمینه حقوق اجتماعی و سطح معیشت کارگران و زحمتکشان اعمال کنند. □

ناصر سعیدی

۴ اکتبر ۱۹۹۱

یادداشتها:

۱۱- سیاست مالی از طریق کاهش یا افزایش هزینه عمومی، مالیاتها و پرداختهای انتقالی (سوسید) صورت می‌پذیرد که مازاد و با کسر بودجه را به دنبال دارد. سیاست پولی به مجموعه تصمیماتی اطلاق میشود که در رابطه با پول از طرف دولت و بانک مرکزی جهت تنظیم پول در گردش اتخاذ می‌شوند. مهمترین وسیله اعمال سیاست پولی تغییر حجم پول می‌باشد.

۱۲- در مورد مدل کنوپراتیستی و مختصات آن در اثر زیر اطلاعاتی وجود دارد:
Walter Müller- Jentsch, Zukunft der Gewerkschaften, 1988,
Campus Verlag

۱۳- به نقل از : به سوی سوسیالیسم ۵- ۹۰ ی

۱۴- برای آشنایی اولیه با نظرات برخی از تئوریسینهای سرشناس "لیبرالیسم نو" رجوع کنید به نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، انتشارات موسسه اطلاعات شماره ۴۴- ۴۳، مقاله " لیبرالیسم نو: گرایشهای اخیر در تفکر سیاسی و اقتصادی در غرب" به قلم دکتر حسین بشیریه.

۱۵- به نقل از منبع ذکر شده در یادداشت شماره ۱۲- ۲۶۶ ی

۱۶- در مورد سیاستهای "راست جدید" در زمینه اجتماعی، در قسمتهای بعدی با بررسی نمونههای مشخصی از عملکرد دولتهای اروپایی در دهه ۸۰ توضیحات بیشتری خواهیم داد.

۱۷- در مورد لغو مقررات دولتی در قسمت های بعدی بیشتر توضیح خواهیم داد.

۱۸- برای اطلاع از نام شرکتهای انگلیسی خصوصی شده، تاریخ و درصد سهامی که توسط بخش خصوصی خریداری شده، میزان سهامی که در دست دولت باقی مانده و همچنین قیمت کل سهام خریداری شده در فاصله نوامبر ۱۹۷۹ تا اکتبر ۱۹۸۷ به منابع زیر رجوع کنید:

- Hans-Günter Guski, Privatisierung in Großbritannien,
Frankreich und USA, 1988, Deutscher Instituts-Verlag
-F. Schneider - M.F. Hofreither. Privatisierung und
Deregulierung in Westeuropa. Wien 1990, Manzsche Verlags-
und Universitätsbuchhandlung

۱۹- به نقل از :
Privatisierung in Großbritannien,.... S.27

۲۰- به نقل از :
Neue Arbeiterpresse, Nr. 656, 10.5.91, S.9

تصحیح و بوزش

در پویش شماره ۲۱، صفحه ۲۷، شعر آفانی، مصرع چهارم کلمه " غربیان " به اشتباه "تربیان" چاپ شده است که بدینوسیله تصحیح می‌گردد.

مصاحبه با کمیسر عالی پناهندگی سازمان ملل

این رقیبی برای کمیساری عالی سازمان ملل نیست؟

اوگاتا: فکر نمی‌کنم در این تشکیلات تصمیمات دست و پاگیری گرفته شود. آنها می‌خواهند بحث و مقایسه کنند و این امر می‌تواند بسیار سودمند باشد. مهم اینست که سیاست پناهندگی از سوی کشورهای زیادی تعیین می‌شود. اشیپگل: یکی از پیشنهادات تهیه لیستی از کشورهای تعقیب کننده و غیر تعقیب کننده است تا بتوان به کمک این لیست پناهندگان کشورهای غیر تعقیب کننده را اخراج کرد. "شیپله" وزیر امور خارجه آلمان می‌خواهد کمیساری عالی سازمان ملل را هم وارد این پروژه کند. آیا وی تا به حال در این مورد با شما صحبت کرده است؟

بقیه در صفحه ۲۳

اطلاعات

راهنمای کمکهای اجتماعی و حقوقی که حاوی اطلاعات مفیدی برای پناهندگان مقیم استان نیدرزاکسن است، اینک توسط گروه ASYL e.v به زبانهای فارسی، ترکی، عربی و انگلیسی ترجمه شده است. طالبین می‌توانند جهت دریافت کتاب فوق و یا کسب اطلاعات بیشتر درباره آن با آدرس زیر تماس بگیرند.

Rechts- und Sozialhilfe Leitfaden für Flüchtlinge in Niedersachsen

Ratgeber für
Beratungsstellen und
Flüchtlinge

Jetzt auch in englisch, persisch,
arabisch und türkisch

Herausgeber: Buntstift e.V.
zu beziehen über:
Asyl e.V.
3200 Hildesheim
Lessingstraße 1



Tel. 05121-132820

هفته نامه اشیپگل مورخ ۹ دسامبر ۹۱ مصاحبه‌ای دارد با خانم " ساکادو اوگاتا". خانم اوگاتا از آغاز سال ۱۹۹۱ کمیسر عالی بخش پناهندگی سازمان ملل می‌باشد. وی قبل از آن چندین بار نماینده ژاپن در جلسات ویزه سازمان ملل بوده است.

مترجمه بخشی از این مصاحبه را برای اطلاع خوانندگان عزیز از مواضع کمیسر عالی پناهندگی سازمان ملل در مورد مسئله جهانی پناهندگان و مهاجرین مفید تشخیص دادیم.

اشیپگل: آیا فقط کسی که کشورش را ترک می‌کند پناهنده است و از حقوق پناهندگان برخوردار می‌شود؟

اوگاتا: طبق تعاریف بین‌المللی آری اما کمیساری عالی سازمان ملل می‌تواند در شرایط استثنایی از حقوق افرادی هم که در کشور خود مجبور به ترک محل زندگی‌شان شده‌اند دفاع کند.

اشیپگل: دسته بندی افراد به عنوان پناهنده و غیر پناهنده متعلق به زمان جنگ سرد است.

اوگاتا: در آن زمان می‌شد با نگاهی به کشورهای کمونیستی ستم و تحت تعقیب بودن رانستاراحت تعریف کرد. در ابتدای تأسیس کمیساری عالی؟ میلیون تن به دلایل سیاسی تحت تعقیب بودند. امروزه ما مسئول رسیدگی به امور ۱۷ میلیون تن هستیم.

اشیپگل: آيا می‌خواهید از افرادی هم که به دلایل اقتصادی کشورشان را ترک کرده‌اند حمایت کنید؟

اوگاتا: خیر، اما تشخیص اینکه چه کسی پناهنده سیاسی است و چه کسی اقتصادی آسان نیست. مثلاً پناهندگان آلبانی و بیتام قبلا به راحتی پذیرفته می‌شدند. حالا رژیمهای (کشورهای منکورا) دیگرگون شده‌اند. در حال حاضر اکثر این افراد بدلیل اقتصادی کشورشان را ترک می‌کنند اما هنوز نمی‌توان گفت که دیگر دلایل سیاسی وجود ندارند.

اشیپگل: در آلمان و چند کشور دیگر اروپایی حرکتی بر علیه خارجیها و بخصوصی متقاضیان پناهندگی صورت گرفته است.

اوگاتا: اینگونه اعمال خشونت آمیز به شدت نگران کننده است. بخصوص در کشوری مثل آلمان که به دلیل تاریخش از دهها سال پیش انعطافپذیری خود را نشان می‌دهد.

اشیپگل: آیا در کشورهای دیگر هم گرایش ضد خارجی وجود دارد؟ اوگاتا: پیشرواری در مورد خارجیها همیشه و همه جا وجود دارد، اما در حال حاضر در هیچ جای دیگر دنیا به جز اروپا چنین موج خشونت آمیزی وجود ندارد.

اشیپگل: آیا اروپاییها بیش از سایرین در معرض مهاجرت پناهندگان هستند؟

اوگاتا: شاید اروپاییها اینطور فکر می‌کنند اما در واقع اینطور نیست. فقط بخش کوچکی از مهاجرین به اروپا می‌آیند. معمولا فراریان از یک کشور فقیر به کشور فقیر دیگری می‌روند و این کشور باید امکانات بسیار محدودی را برای پذیرایی از فراریان بکار گیرد.

اشیپگل: آیا فقرا با هم متحدند؟ اوگاتا: من فکر می‌کنم بعضی از کشورهای فقیر خیلی بیشتراز بسیاری کشورهای ثروتمند همبستگی نشان می‌دهند.

اشیپگل: ثروتمندان فعلا مشغول سگر گرفتن در مقابل فقرا هستند. اواخر ژوئن امسال ۱۶ کشور صنعتی دنیا تصمیم به تأسیس تشکیلات جداگانه‌ای در ژنو برای هماهنگی سیاست مربوط به پناهندگان گرفتند. آیا

برای احقاق حقوق پناهندگان و مهاجرین متشکلاً مبارزه کنیم!

دعوت کنگره حزب سبزها از نماینده ما

برگزاری جلسه اطلاعاتی درباره مبارزات کارگران ایران

در تاریخ دوم ژانویه ۹۲ يك جلسه اطلاعاتی در مورد مبارزات طبقه کارگر ایران، با شرکت ۲۰ تن از علاقمندان آلمانی، ایرانی و ترک در محل فرای سایت هایم لیندن در هانوفر برگزار شد.

این جلسه به دعوت يك جریان چپ آلمانی به نام گروه کارگران سوسیالیست (SAG) برگزار گردید.

در ابتدا یکی از رفقای کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران مطالبی را در مورد تاریخ و مبارزات کارگران ایران عنوان داشت. وی در صحبت‌هایش بر مبارزات و تجربیات کارگران در طول انقلاب ۵۷ و پیامدهای آن، نقش تعیین کننده کارگران در سرنگونی رژیم شاه، تأثیر انقلاب ایران در کسب آگاهی طبقاتی کارگران و اهمیت و جایگاه جنبش شورایی تأکید کرد و در بخشی از سخنانش گفت: "جنبش شورایی ایران ۰۰۰ می‌تواند برای کارگران خاور میانه بسیار آموزنده باشد زیرا در هیچ کشور خاور میانه چنین جنبشی گسترده و نیرومندی وجود نداشته است. این جنبش در مقایسه با جنبش اتحادیه‌های اروپایی کمونی نیز تا آنجا که به خود گردانی و دخالت توده‌های کارگر مربوط می‌شود، بسیار برتر است."

وی در ادامه در مورد اشکال متنوع مبارزات کارگری در سالهای ۵۷ تا ۶۰ و قابلیت انعطاف رهبران کارگری در سازماندهی و هدایت مبارزات در شرایط گوناگون توضیح داد و در پایان این بخش از سخنانش خاطر نشان کرد که دستاوردها و تجربیات کارگران ایران - بویژه جنبش شورایی - بسیار کم شناسانه شده است و در این زمینه نیاز مبرمی وجود دارد.

وی سپس به چند ضعف جنبش کارگری در آن سالها اشاره نمود و بر دو نکته تأکید کرد: اولاً "اینکه کارگران در طول انقلاب ایران نظر روشنی درباره قدرت سیاسی آینده نداشتند و نتوانستند در مقابل "جمهوری اسلامی" خمینی و شرکا، آلترناتیو حکومتی خویش را ارائه دهند و ثانیاً "اکثریت قریب به اتفاق شوراهای کارگری در سطح کارخانه‌ها محدود بودند و شوراهای سراسری کارگران در سطح کل کشور هیچگاه بوجود نیامد در حالیکه اگر این درک در میان کارگران پیشرو وجود داشت، مصالح و بتانسیل لازم - برای بوجود آوردن شوراهای سراسری کارگران ایران موجود بود و این امر پیشرفت عظیمی محسوب می‌شد."

رفیق مذکور در بخش پایانی صحبتش در مورد سرکوبهای سالهای ۶۰ و ۶۱ و مبارزات کارگری از سال ۶۰ به این سو توضیحاتی داد و به خصوصی بر اهمیت اعتمادات اخیر کارگران صنعت نفت تأکید کرد.

پس از آن حاضرین سؤالاتی مطرح کردند و بحث‌هایی صورت گرفت. جو عمومی جلسه حاکی از علاقه مندی حاضرین نسبت به موضوع بود چنانچه یکی از حضار پیشنهاد کرد جلسه دیگری در مورد جنبش کارگری ایران برگزار شود و در آن شرایط کمونی کارگران - بویژه پس از خاتمه جنگ ایران و عراق - بیشتر مورد بررسی قرار بگیرد و این پیشنهاد با استقبال سایرین رو به رو شد.

نکته‌ای که در طول بحثها جلب توجه می‌کرد، بی اطلاعی بخشی از چهرهای آلمانی از جامعه و جنبش کارگری ایران بود. این نکته تأکیدی است بر ضرورت برگزاری جلسات اطلاعاتی و روشنگری در رابطه با شرایط عمومی جامعه و به خصوصی جنبش کارگری ایران.

دعوت کنگره حزب سبزها از نماینده ما

در ۲۵ نوامبر کنگره حزب سبزها در استان نیدرزاکسن با حضور بیش از ۱۰۰ نفر از اعضا و نمایندگان این حزب در شهر والسروده برگزار گردید. در این جلسه از نماینده کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران نیز دعوت شده بود که در زمان تعیین شده در رابطه با مسئله "صدمت با خارجی‌ان" نظرات خود را بیان کند.

نماینده ما در سخنرانی خود مطالبی در رابطه با مسئله راسیسم در جامعه آلمان و نقش مطبوعات و رسانه‌های عمومی در این رابطه بیان نمود و از - عقب نشینی و ناپیکوری احزاب اپوزیسیون و دمکرات در قبال تعرضات همه جانبه به حقوق پناهندگی انتقاد کرد. وی در ادامه ضمن محکوم کردن توافقات حاصله در جلسه مشترک بسن (۱) بخشی از خواستهای اصلی پناهجویان در رابطه با پیرویه پناهندگی را مورد تأکید قرار داد.

پس از اتمام سخنرانی رفیق نماینده ما، یورگن تربتین وزیر دولت نیدرزاکسن (از فراکسیون حزب سبزها) سخنانی ایراد نمود. وی که یکی از حوزه‌های مسئولیتش امور پناهجویان می‌باشد در حین سخنرانی خود، قول داد که در این استان اردوگاههای بزرگ به شکلی که در توافقات بسن مطرح شده، عملی نخواهد شد.

(۱) منظور جلسه مشترکی است که با حضور احزاب ائتلافی حاکم و حزب سوسیال دمکرات در بسن برگزار شد. در طی جلسه فوق این احزاب به توافقاتی بر سر محدودیت حقوق پناهندگی دست یافتند. برای اطلاعات بیشتر در این باره به پویش شماره ۲۱ مقاله "تعدی به حقوق پناهندگان و چرخش به راست جامعه آلمان" نوشته رفیق مهوش نظری رجوع کنید.

سخنرانی نماینده کمیته همبستگی در شهر استرهولتس

به دعوت واحد محلی حزب سبزها در شهر استرهولتس (Osterholz) در حوالی برمن، نماینده ما در جلسهای به منظور ایراد سخنرانی درباره مسئله مقابله با راسیسم شرکت نمود.

وی ضمن تشریح مواضع احزاب حاکم به خصوصی CDU و CSU در گسترش و تقویت تمایلات راسیستی، به نقش رسانه‌های عمومی در پیشبرد سیاست این احزاب پرداخت.

وی توجه حاضرین را بویژه به شیوه خبر دهی و گزارش نویسی رادیو، تلویزیون و مطبوعات جلب نمود و در ادامه یکی از راههای اساسی مبارزه با تشبثاتی که رسانه‌ها در سطح جامعه می‌پراکنند را ایجاد يك سیستم آلترناتیو گزارش دهی با توجه به فاکتها، ارقام و آمار واقعی عنوان کرد.

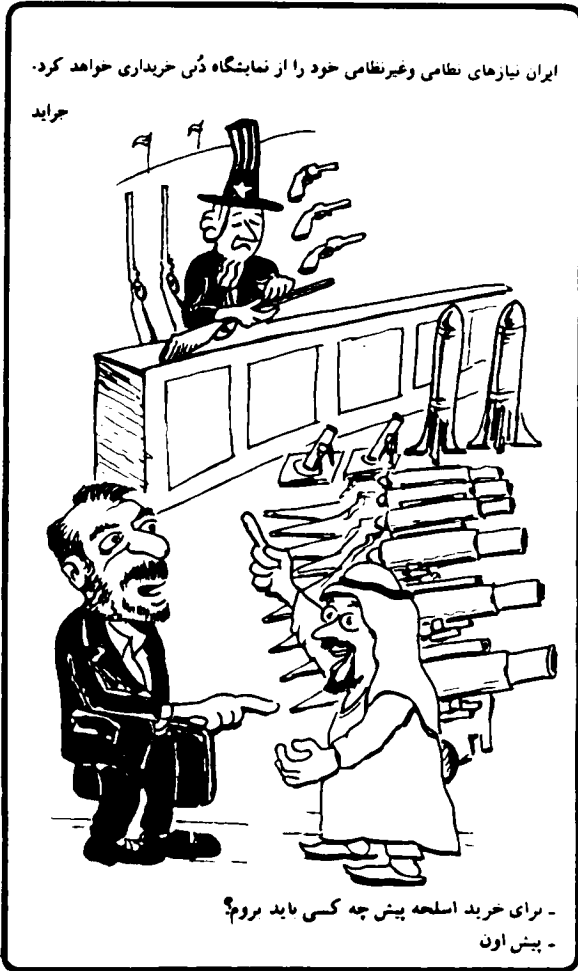
پس از سخنرانی رفیق نماینده، حدود ۲ ساعت بحث زنده‌ای درباره چگونگی ایجاد چنین سیستمی و همچنین مسائل و مشکلات کار محلی بر علیه راسیسم در میان حاضرین در گرفت.



"بنیاد مستضعفان در قبل از انقلاب؟!"

اولی: آقا، ببخشید شما هیچ می‌دانستید بنیاد مستضعفان قبل از انقلاب هم کار می‌کرده؟
 دومی: نه نمی‌دانستم مگر قبل از انقلاب هم بنیاد مستضعفان داشتیم؟
 اولی: بله که داشتیم می‌کن قبل از انقلاب بنیاد مستضعفان ماشین وارد می‌کرده!
 دومی: نه! من باور نمی‌کنم مگه آدم همین جوری الکی حرف می‌زنه!
 اولی: الکی چیه؟ مگه صاحبه آقای "خرم" را توی مجله آئینه اندیشه نخواندای؟
 دومی: نه نخواندم مگه چه نوشته؟
 اولی: نوشته که: "سؤال: قبلا بنیاد اتومبیل وارد می‌کرد؟"، "جواب: قبل از انقلاب بله، اما بعد از انقلاب نه!" (۱)
 دومی: عجب؟!!

(۱) ماهنامه آئینه اندیشه ۶ و ۷



- برای خرید اسلحه پیش چه کسی باید بروم؟
 - پیش اون

کاهش درآمدهای واقعی در یونان

پالئو کراساس، وزیر دارایی یونان اخیراً لایحه بودجه سال ۱۹۹۲ را به پارلمان این کشور تقدیم کرد. مفاد این لایحه به معنای تهاجم به حقوق کارگران - بویژه کارگران بخش خدمات دولتی - و بازنشستگان است.

در حالیکه طبق برآورد دولت نرخ تورم در سال ۹۲ حدود ۱۲ درصد خواهد بود، قرار است تنها ۶ درصد به حقوق ۶۷۰ هزار کارکن بخش خدمات دولتی و حدود ۲ میلیون بازنشسته اضافه شود. این امر به مفهوم آن است که دستمزد واقعی کارگران و بازنشستگان بخش دولتی چون دوسال گذشته کاهش خواهد یافت.

دولت یونان در حال حاضر با مشکلات زیادی مواجه است. بدهی‌های دولتی بالغ بر ۱۵۳ میلیارد مارک می‌شود که این میزان برابر با ۱۳۸ درصد کل تولید ناخالص ملی پیش بینی شده در سال ۹۲ است. از سوی دیگر دولت یونان تاکنون نتوانسته است طرح‌های مربوط به خصوص کردن موسسات دولتی را با موفقیت پیش ببرد و از قبل فروش این موسسات مانع هنگفتی به جیب بزند. با توجه به این مشکلات اقتصادی، دولت چاره را در تهاجم بیشتر به سطح حقوق کارگران و بازنشستگان یافته است.

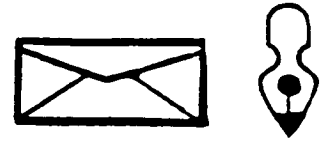
در اعتراض به کاهش دستمزدهای واقعی و نقشه‌های مربوط به خصوصی کردن، قرار است در ماه جاری (دسامبر) توسط اتحادیه‌ها اعتصابات گسترده‌ای در اکثر کارخانجات تولید مواد مصرفی سازماندهی شود.

ترسم از این است که سجود کنند!

ستاجری به صاحب خانقاه گفت: خواهش می‌کنم چوبه‌های سقف این خانه را تعمیر کن، چون دائماً صدا می‌کنند.
 صاحب خانه گفت: مترس، چوبها نیز تسبیح خدا می‌کنند و صدای آنها از همین روست.
 ستاجر گفت: اما من ترسم از این است آن قدر تسبیح کنند که رقت قلبشان حاصل آید و سجود روند!

پایم را به مسجد باز مکن

پسری پول پدرش را ربود. پیرمرد دریافت و خواست پول را از او باز ستاند. پسر از پیش او بگریخت و به مسجد پناه آورد.
 پیرمرد سر در درون مسجد کرد و به پسر آواز داد که: ای فلان فلان شده بیا بیرون و بعد از هفتاد سال پای مرا به مسجد باز مکن!



نامه های رسیده

❶ رفقای متشکل در انجمن کارگران پناهنده ایرانی - لندن، نامه شما به همراه صاحبه یکی از دوستان ایرانی با پناهندگان ترکیه به دستمان رسید. از لطف و توجه شما سپاسگزاریم.

❷ رفیق عزیز رضا خ نامه و قطعه شعر شما بدستمان رسید. از لطف شما بسیار سپاسگزاریم. از قطعه شعر شما، در همین شماره نشریه سود جستیم.

❸ رفیق عزیز س از (Aichnach) نامه شما به دستمان رسید. ما یک نسخه از مطلب مورد نظر را برای وکیلان و یک نسخه دیگر را به آدرس خودتان ارسال داشتیم. برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم و از کمک مالی شما بسیار سپاسگزاریم.

❹ رفیق گرامی رضا س نامتان را دریافت کردیم. از لطف شما بسیار سپاسگزاریم و از اینکه نشریه پویش را بر محتوا می‌دانید خرسندیم. ضمناً مبلغ ۳۰ مارک بابت اشتراک سالیانه نشریه به حساب ما واریز شده است.

❺ رفقای عزیز، فعالین سجعفا در سوئد، مبلغ ارسالی بابت هزینه نشریات پویش به حساب ما واریز شد. از لطف، همکاری و زحماتتان فوق العاده سپاسگزاریم و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

❻ رفیق عزیز زیباروز نامه شما بدستمان رسید. از لطف شما بسیار سپاسگزاریم و از اینکه پاسخ ما را به نامتان قانع کننده خوانده‌اید خرسندیم. با آرزوی همکاری بیشتر با پویش برایتان آرزوی موفقیت داریم.

❼ رفقای متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان، نامه شما را دریافت کردیم. توسط این نامه اطلاع یافتیم که قصد انتقال محل فعالیت خود را از کراچی به اسلام آباد دارید. ضمن قدردانی از فعالیت چند ساله شما در کراچی، امیدواریم با تکیه بر تجارب گرانمای چند ساله اخیرتان، شاهد فعالیت‌های باز هم ارزشمندتری از شما در حمایت از حقوق پناهندگان و همبستگی با کارگران و زحمتکشان باشیم. منتظر دریافت آدرس جدیدتان هستیم و برایتان آرزوی توفیق داریم.

❽ رفقای متشکل در انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی - ونکوور، نامه و گزارشات شما به دستمان رسید. از لطف شما بسیار سپاسگزاریم. ما در این شماره پویش کوشیدیم با انعکاس شمعی از فعالیت‌های شما در معرفی تشکلتان گامی برداریم. همچنین آدرس مکاتباتی شما را در اختیار خوانندگان پویش قرار دادیم تا در صورت ضرورت مورد استفاده آنان قرار گیرد. برایتان آرزوی موفقیت داریم و دستتان را به گرمی می‌فشاریم.

❾ رفیق عزیز بهزاد، مبلغ ۵۰ مارک بابت اشتراک نشریه پویش و کمک مالی دریافت کردیم. از فعالیت‌ها و همکاری‌های شما قدردانی نموده و برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

❿ جمعی از ایرانیان مقیم اتاوا، رفقای عزیز اعلامیه اعتراضی شما علیه سیاست‌های پناهندگی UN به همراه چکی به مبلغ ۱۰۰ دلار کانادا جهت کمک به پناهندگان پاکستان و ترکیه به دستمان رسید. از لطف شما فوق العاده سپاسگزاریم، ضمن قدردانی از احساس مسئولیت و فعالیت‌هایتان، امیدواریم همچنان شاهد گسترش فعالیت‌های شما در راستای منافع پناهندگان و همبستگی با کارگران و زحمتکشان ایران باشیم.

❶ رفیق عزیز عبدالله نامه مورخ اول دسامبر شما به همراه گزارشات ارسالی بدستمان رسید. ضمن قدردانی از فعالیت‌هایتان، از گزارشات شما در همین شماره پویش سود خواهیم جست. ضمناً به تعداد مورد درخواستتان برایتان پویش را خواهیم فرستاد. کامیاب و سرافراز باشید.

❷ رفیق عزیز عبدالله نامه شما بدستمان رسید. ضمن سپاسگزاری از زحماتتان از تذکراتی که داده بودید سپاسگزاریم. همانگونه که در طی نامه جداگانه‌ای نیز به اطلاعاتتان رسانده‌ایم ما قسمت دوم سخنرانی را برای آخرین توضیحات به آدرس تان ارسال کرده‌ایم. موفق و سرافراز باشید.

❸ رفیق گرامی آرش نامه شما بدستمان رسید. با تشکر از شما به اطلاع می‌رسانیم که جداگانه پاسخ نامه شما به آدرس مورد نظرتان ارسال شده است. در مورد حمایت ما از اعتراضات پناهندگان ترکیه توجهتان را به مطالبی در همین شماره پویش جلب می‌کنیم. موفق باشید.

❹ فعالین سجعفا - واحد هایلبرگ، رفقا! خبر نامه و گزارش ارسالی تان بدستمان رسید. ضمن قدردانی از کوشش شما در همین شماره نشریه ما قسمتی از گزارش شما را به چاپ رسانده‌ایم. یادآوری می‌کنیم که تاکنون به تعداد مورد درخواستتان نشریه پویش به آدرستان ارسال شده است. برایتان آرزوی موفقیت داریم و دستتان را به گرمی می‌فشاریم!

❺ رفقای متشکل در اتحادیه سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد، نامه شما را به همراه خبرهای ارسالی دریافت کردیم. ما در شماره قبلی از خبرهای شما در قسمت اخبار پناهندگی نشریه سود بردیم. منتظر دریافت خبرهای بیشتری از شما هستیم و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

❻ رفقای عزیز متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - یونان نامه شماره ۱۹۲ مورخ ۹۱/۱۲/۵ شما به همراه اعلامیه و سه شماره از خبرنامه‌های شما به دستمان رسید. از لطف شما فوق العاده سپاسگزاریم. فعالیت‌های شما در جهت احقاق حقوق پناهندگان، همبستگی شما با مبارزات ترقی خواهانه مردم یونان و به خصوص اعتراضات شما نسبت به ورود ولایتی وزیر امور خارجه رژیم به یونان مایه دلگرمی ماست. درباره جدول منتشره در شماره ۲۰ نشریه پویش سؤال کرده بودید، ضمن تشکر از مطرح نمودن سؤالتان به اطلاع می‌رسانیم که به عقیده ما طرح این جدول با مضمون فعالیت ما هیچ مغایرتی ندارد.

❼ پاسخ جدول، همانگونه که در شماره ۲۱ ذکر شد، "زنده باد انقلاب" بود که یکی از شعارهای اصلی ماست. سایر کلمات آن نیز هیچ گونه تعارضی با اهداف نشریه ندارند. بر همین اساس بنا به پیشنهاد یکی از رفقا آنرا در نشریه به چاپ رساندیم. با این حال اگر در این رابطه توضیحات ما ناکافی است، به ما یادآور شوید.

❽ امیدواریم همکاری‌هایمان از استحکام و رابطه‌مان همچنان از عمق بیشتری برخوردار شود. موفق باشید!

❾ دوست عزیز از لیگ بلژیک، چک ارسالی شما معادل ۳۰ مارک بابت اشتراک سالانه نشریه پویش به دستمان رسید. از لطف شما متشکریم.

نامه های رسیده

در فاصله انتشار شماره ۲۱ یوبش تاکنون نشریات زیر به دستمان رسیده است که بدین وسیله از ارسال کنندگان آنها تشکر می‌کنیم.

- ۱- دفترهای کارگری سوسیالیستی شماره ۷- آذر ۱۳۷۰ (دسامبر ۱۹۹۱)
- ۲- پیام شورا- ارگان شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان - کراچی - سال پنجم - اکتبر ۹۱- شماره ۵۰
- ۳- همبستگی - نشریه فدراسیون سراسری شوراها و پناهندگان و مهاجرین ایرانی - نوامبر ۹۱- شماره ۲۳
- ۴- نشریه اتحاد کار- ارگان مرکزی سازمان فدایی - ایران - شماره‌های ۲۴-۲۵ (مهر و آبان ۱۳۷۰)
- ۵- نشریه Arbeiter Kurier - شماره‌های ۱۶-۱۷ به زبان آلمانی.
- ۶- آوای زن - چاپ نروز - ساندنس، شماره ۴- به همراه شماره ویژه اکتبر ۹۱.
- ۷- خبر نام- شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - یونان شماره‌های ۲ و ۳ (اکتبر و نوامبر ۹۱)
- ۸- خبر نام- فعالین سازمان چریکهای فدائی خلق- واحد هایدلبرگ.
- ۹- بولتن آزادی نو - شماره ۱۷ - شهریور و مهر ۱۳۷۰

□

تیراژ روزنامه در ایران

۱- ده سال پیش سازمان ملل متحد حداقل‌ترین تیراژ مناسب روزنامه‌های یک کشور را نسبت به جمعیت آن، برای هر ۱۰۰۰ نفر ۱۰۰ نسخه ارزیابی نموده است. در حالیکه بر مبنای آمار زیر برای هر ۱۰۰۰ ایرانی حدود ۱۸ نسخه روزنامه منتشر می‌شود که ۸۲ نسخه از حدود نصاب تعیین شده کمتر است. این امر نشان می‌دهد که در ایران حدود ۱/۶ (یک ششم) حداقلی که ده سال پیش از سوی سازمان ملل تعیین شده، روزنامه منتشر می‌شود. و این در حالی است که بنا به گزارش مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، در ماههای اول انقلاب ۵۷

برای جهان بی مرز

درست است که می‌گویند پرندما بی مرز هستند و نه هر جایی که ملشان باشد می‌پرند

از بالای کوهها و دریاها

بدون پریش از کسی؟

درست است که می‌گویند رودخانهها

از دل چندین سرزمین

بدون ویرا می‌گذرند؟

درست است که می‌گویند وقتیکه طوفان

غرش کنان در خود می‌پیچد

و سربازان را با اسلحه و سیم خاردار و توپهای کور می‌سازد

و از جلوی چشمان آنها می‌گذرد

درست است که می‌گویند ابرها

همراه باد شمال

نه هر جایی که ملشان باشد می‌روند

و نه سان اشک بهاران فرود می‌آیند

ایکانت - ایکانت

مهم برده بودم

و با میل خود پرواز می‌کردم

ایکانت مهم جوی باریکی بودم

و با رودخانه یکی می‌شدم

ایکانت مهم فونی بودم

و با طوفان آصبخته از برابر دینگان سربازان می‌گذشتم

ایکانت مهم نگه ابری بودم

و در کشاکش طوفان می‌رفتم

همراه ابرها نه صورت باران به روی گونه عزیزم می‌باریدم

رصاص - ج

در ایران روزانه سه میلیون روزنامه منتشر می‌شود.

۲- با توجه به آمار فوق در می‌یابیم که تعداد مطلق روزنامه‌ها و هم چنین مجموع تیراژ آنها در ایران نسبت به دو کشور ترکیه و پاکستان کمتر و به لحاظ نسبی (تعداد روزنامه نسبت به جمعیت کشور) از ۳ کشور ترکیه، عراق و پاکستان کمتر است و به لحاظ نسبت تیراژ نیز (تیراژ روزنامه نسبت به جمعیت کشور) ایران از دو کشور ترکیه و عراق در مرتبه پائین تری قرار دارد.

نام کشور	جمعیت به میلیون نفر	تعداد روزنامه‌ها	تیراژ به هزار	تیراژ برای هر ۱۰۰۰ نفر
ایران	۵۳	۲۳	۹۷۰	حدود ۱۸
ترکیه	۵۳/۵	۴۵۷	۳۰۰۰	حدود ۵۶
پاکستان	۱۱۵	۱۰۵	۱۷۱۶	حدود ۱۵
افغانستان	۱۵	۹	۱۱۷	حدود ۸
عراق	۱۷/۶	۵	۴۲۰	حدود ۲۴

□

اخبار

قیمت کالاهای عرضه شده در تعاونیهای مصرف کارگری با بازار آزاد یکیست

رژیم جمهوری اسلامی تا به حال جار و جنجالهای بسیاری حول تعاونیهای مصرف کارگری به پا کرده است و مدعی است که این تعاونیها کالاهای مورد نیاز کارگران و کارکنان شرکتها را با قیمتی نازل و مناسب در اختیار آنان قرار میدهد. ولی حتی بنا به اظهار نظر مقامات تعاونیها قیمت کالاهای عرضه شده در تعاونیها با قیمت بازار آزاد هیچ تفاوتی ندارد.

خبرنگار روزنامه "کار و کارگر" (ارگان خانه کارگر جمهوری اسلامی) در - گفتگویی که با سید محسن حبیبی رئیس هیئت مدیره تعاونی مصرف شرکت تهران الکتریک داشته است، از قول وی نقل میکند:

"۰۰۰ ۶ ماه گذشته ۲۰ قلم جنسی از اتحادیه امکان تهیه کردیم که تاکنون سه قلم آن به فروش رفته است. ۱۷ قلم دیگر آن در تعاونی باقی مانده است و تا به حال سه بار قرعهکشی شده است اما خریداری ندارد زیرا قیمت آن با بازار آزاد یکی است و کارگران بنیه خرید آن را ندارند."

در ادامه گفتگو یکی از کارکنان شرکت به نام علی اسماعیلی ضمن ابراز نارضایتی از عملکرد تعاونی مصرف در چند سال اخیر به خبرنگار منکسور میگوید:

"بنده مدت ۱۷ سال است که در این شرکت مشغول کار می‌باشم و از همان بدو تأسیس تعاونی به عضویت آن در آمدم در این مدت تنها یک قلم کالای اساسی دریافت کردم و آن هم ۶ سال پیش، با این سابقه کار، ماهیانه ۹ هزار تومان حقوق دریافت می‌کنم که این مقدار کفاف وسائل تحصیل فرزندم را هم نمیدهد، آنگاه اتحادیه امکان اجناس لوکس را با قیمت بازار آزاد در اختیار تعاونیها قرار میدهد..."

□

راهپیمایی ۱۳ آبان و دفتر تحکیم وحدت

روز ۱۳ آبان به مناسبت سالگرد تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام همه ساله در تهران و سایر شهرستانها از طرف دولت اسلامی راهپیمایی صورت می‌گیرد.

معمولاً شورای تبلیغات اسلامی سازماندهی این راهپیمایی‌ها را بر عهده دارد و سازمانها و گروههای مختلف مذهبی از آنها پشتیبانی میکنند. اما امسال بخاطر اختلاف بین سردمداران حکومتی در ایمن روز دو راهپیمایی مختلف صورت گرفت. اکثر محافل و تشکلهای مذهبی از جمله جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه اصناف بازار تهران، کانون هیئتهای مؤتلفه و جامعه اسلامی دانشجویان از ایمن راهپیمایی حمایت کردند. در این میان دفتر تحکیم وحدت که تشکلی است متعلق به دانشجویان پیرو خط امام و یکی از ستون فقرات جناح تندرو در

دانشگاهها محسوب می‌شود در راهپیمایی صبح شرکت نکرد و خود مستقلاً در عصر همانروز به راهپیمایی پرداخت.

این تشکل طی اعلامیهای عدم شرکت خود را در راهپیمایی صبح اعلام نموده و نوشته است: "امت شهیدپرور و خانواده شهیدا اجازه نخواهند داد میتران بر خاک گلگون ایران اسلامی گام بگذارد."

روزنامه رسالت با یکی از اعضای دفتر تحکیم وحدت مصاحبهای دارد که حائز اهمیت است. در این مصاحبه می‌خوانیم: "حایگاه مراسم ۱۳ آبان در سالهای گذشته در سردر لانه جاسوسی بود ولی مناسفانه امسال بنا بر فشارهایی که صورت گرفت این جایگاه در پشت یک اتومبیل است ولی این مسئله باعث نشده است که از شکوه راهپیمایی کاسته شود."

قرار این بود که مهدی کروبی در جمع راهپیمایان سخنرانی کند که او حاضر نشد و به جای آن محتشمی سخنرانی کرد.

در شیراز روز ۱۳ آبان طرفداران دفتر تحکیم وحدت صف خسود را از راهپیمایان جدا میکنند. در این باره یکی از دانشجویان جامعه اسلامی که مخالف دفتر تحکیم وحدت می‌باشد چنین می‌گوید:

"به هنگام عبور دانشجویان و راهپیمایی به سوی جایگاه تعیین شده از سوی ستاد مراسم ۱۳ آبان، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز و علوم پزشکی از شرکت در مراسم فوق خودداری نمود و با صدور بیانیه‌ای عدم حضور خود را در مراسم سیزده آبان به دلیل نبودن جو آزاد اعلام نمودند."

قبل از ۱۳ آبان در دانشگاه شیراز بین طرفداران جامعه اسلامی و دفتر تحکیم وحدت درگیری صورت گرفته که منجر به زخمی شدن ۲ تن از اعضای جامعه اسلامی بناهای مقامی و رستمی گردیده بود. جریان واقعه از این قرار بوده است که اعضای دفتر تحکیم وحدت از ابراهیم اصغرزاده دانشجوی پیرو خط امام و نماینده مجلس دعوت به سخنرانی کرده بودند که با مخالفت اعضای جامعه اسلامی روبرو گردیده و سخنرانی صورت نمی‌گیرد. درگیری‌های اخیر در محافل دانشجویی طرفدار دولت در دانشگاهها انعکاس جنگ قدرتی است که بین دولت‌مردان جمهوری اسلامی در جریان است. امروز دانشجوی پیرو خط امام که روزی همه کاره دانشگاه بود توسط رقب از میدان خارج می‌شود.

هنوز نسل انقلابی دانشجویان کشور ما حمله مغولوار دانشجویان طرفدار حکومت در اردیبهشت ۵۹ زیر لوای انقلاب فرهنگی را از یاد نبرده‌اند، این امر هنوز از انذهان آزادیخواهان پاک نشده است که دهها دانشجوی مبارز و انقلابی در آن روزها توسط همین انجمن اسلامی‌ها در سراسر کشور با چاقو و قمه از پای درآیند.

در تابستان ۶۰ در گرماگرم یک پیکار طبقاتی صدها دانشجوی انقلابی توسط همین باندها شناسائی و بعدها در دانشگاههای ضد انقلابی محاکمه و تیرباران شدند. اما امروز می‌بینیم که همانان جد بی‌شرمانه مدافع آزادی و آزادیخواهی شده‌اند.

تهیه و تنظیم بابک

کسود و قاجاق نفت از ریان آقازاده

روزنامه رسالت ۲۷ آبان صاحبهای دارد با آقازاده وزیر نفت در زمینه بولندات داخلی و کسود نفت سعد- او اعلام می‌دارد:

"در زمینه نفت سعد ما اگر بخواهیم نیاز کشور را تأمین کنیم باستی روزانه ۳۴ تا ۳۶ میلیون لیتر نفت سفید توزیع کنیم که در حال حاضر این رقم در شش ماهه اول امسال ۲۳ میلیون لیتر در روز بوده است."

وی گفت اگر ما بخواهیم که نیاز کشور را در این زمینه تأمین کنیم باید واردات بیشتری داشته باشیم که در این زمینه مقدار ارزی که در بوده امسال منته شده در حد کافی

اعترافات کارگزاران جمهوری اسلامی

جاسم جابری "نماینده" دشت آزادگان :

" راست محترم جمهور، مردم ما آواره و مصیبت زبند و انتظار دارند به ندای به حق آنان پاسخ مناسب داده شود، خانهای آنان ویران است، منطقه آنها هسوز سوخته است، مینا جمع آوری نشدند، زمینهای کشاورزی در حال نابودی است و در - شوکها و بیابانهای حوزستان آوارانند، آنهایی هم که با وضعیت اسفباری از عراق به ایران باز گشتند وضع درمانگی دارند. آیا سؤال شده است در مدت یک سال گذشته چه سر کودکان و زنان آمده است؟
 بی افزود متأسفانه حتی مثل آوارگان افغانی و عراقی با آنان رفتار نشده است، چه کسی پاسخگوی نیازمندیهای آنان است، کوپن ارزاق ندارند، درآمد کسی ندارند و
 بچههای آنان دو سال است که به مدرسه نرفتند و دهها مشکل دیگر که امکان نکسر آنها نیست "

روزنامه رسالت پنجشنبه ۲۳ آبان ۱۳۷۰

هدایت الله آقائی "نماینده" فسا :

" از هجوم فرهنگی بیگانگان بر مردم سخن بر زبان می‌آوریم. از اینکه شکل لبای خانها در برخی مناطق تغییر یافته می‌نالیم و برای کنترل آن خیل نیروها را بسیج می‌کنیم، اما چرا هیچگاه به فکر تحریک فرهنگی انجام شده از ناحیه حوثمان ننشستیم، یا کمتر توجه می‌کنیم؟ یکی از این موارد باز کردن میدان برای تاخت و تار سرمایه‌داران و اشراف است. بسیاری از سیاستهای اقتصادی در جهت پرتز شدن حیب پولدارها و خلق بد از اقرار کم در آمد می‌باشد. روابط و مناسبات اداری و رسمی نیز به نفع قشر منسول چرخیده بطوری که به عنوان مثال گاهی تماس و ارتباط صاحبان پول و سرمایه بیشتر و راحت تر از نمایندگان مردم با مسئولین اجرائی است و همین باعث آن شده تا بعضی از مسئولین یا وابستگان نزدیک آنها به مرحله خطرناکی از سقوط به پرتگاه رفاه طلبی و رفتن به سمت جمع آوری ثروت از طریق مشارکت ضمنی یا رسمی و امثال آن نزدیک شوند. چگونه انتظار داریم اقرار وسیعی از مردم که تحت زجر آزارترین فشارهای اقتصادی قرار دارند و از طرف دیگر شاهد انباشته شدن ثروتها در دست عمدهای معدود هستند بطور جدی مدافع فرهنگ مطلوب و ارزشهای انقلاب اسلامی باشند؟ "

روزنامه رسالت پنجشنبه ۲۳ آبان ۱۳۷۰

امیر میر "نماینده" زاهدان :

" وضعیت آب آشامیدنی زاهدان به جایی رسیده است که مردم بمخمت آن سامان بایستی آب را گالنی ۲۰۰ ریال خریداری کنند و جای تأسف است که دولت و ارگانهای مسئول در منطقه چنین وضعیتی را مشاهده می‌کنند، ولی اقدامی در جهت رفع این مشکل به عمل نمی‌آورند..... "

روزنامه رسالت چهارشنبه ۲۰ آذر ۱۳۷۰

محمد حسین بودینه "نماینده" سیستان و عضو کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی :

" روند باز سازی منازل مسکونی آسیب دیده از سیل سال ۶۹ استان (سیستان و بلوچستان) را که توسط بنیاد مسکن اجرا می‌شود بسیار کند توصیف کرد و گفت: این بنیاد موظف به احداث ۱۲ هزار واحد مسکونی است که متأسفانه تاکنون تنها ۵۰۰ واحد مسکونی پوشیده شده است. "

روزنامه رسالت دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۷۰

مادق خلخالی "نماینده" قم :

" من از مجلس شورای اسلامی می‌خواهم این را مکرر گفته شده، با بیانات مختلف راجع به ۲۰ میلیون دلار که از طرف دولت ایران در اختیار جناب آقای رحایی، رئیس

کمیسیون خارجی گذاشته شده، آن وقتی که ایشان در آمریکا بود که حالا چه کار بکند چه کار نکند، بعد این ۲۰ میلیون دلار کم شده است. می‌گویند: آقای میناجی آمده با یک سند عادی، ۲۰ میلیون دلاری را گرفته برده است آقایان محترم، یک بچسه مدرسه‌ای می‌زنی‌تواند با یک سند عادی به کسی محول بکند. این ۲۰ میلیون دلار - شوخی نیست، ۲۰ میلیون دلار که با هر ۵۰۰ هزار دلارش در آمریکا می‌شود یک ویلا درست کنی، آب می‌شود به زمین فرو میرود و ما هم در اینجا می‌گویم بالاخره حالا نماینده است، این ۲ یا ۳ ماه دیگر هم تمام می‌شود و حالا هر که برود سر کار خود، ایسین درست نیست. "

روزنامه رسالت پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۷۰

ست الله جعفری "نماینده" ارومیه :

" وزارت نفت در مورخه ۷۰/۸/۲ نامه نوشته است که سهمیه سوخت به طور کامل داده شده است و درست در همان تاریخ باغداران و دو با سه روز بعد نامه فرمانداری ارومیه رسیده است که سهمیه سوخت کشاورزان ترسیده است و به علت نبود مازوت کارخانها یکی بعد از دیگری به تعطیلی کشیده شدند و آنهایی که در حسو احساساتی اوایل انقلاب وعده می‌دادند که پول نفت را جلوی خانه به مردم بقدیم خواهند کرد چرا امروز سخنی از مشکل سوخت مردم به زبان نمی‌آورند. "

روزنامه رسالت دوشنبه ۲۰ آبان ۱۳۷۰

علی پناهنده "نماینده" برخواستار و ممه :

" خطر سوم خالی شدن مساجد از نمازگزاران است. از مسجد بریدن یا بی تفاوتی را به دنبال دارد با پناه بردن به ویدئو را، چرا چنین شده است؟ تهاجم فرهنگی غرب وجود دارد اما تازگی ندارد. آیا فکر نمی‌کنید معصر خود ما هستیم؟ آیا فکر نمی‌کنید مردم بین آنچه از ما می‌شوند و آنچه از ما می‌بینند تفاوت محسوسی مشاهده می‌کنند؟ آیا تحمل گزافی بعضی از مسئولین که مورد عتاب رهبر معظم انقلاب اسلامی هم واقع شدند یکی از دلایل سردی مردم نیست؟ مردم دیگر به سخن مسا خیلی توجه ندارند بلکه به عمل ما توجه دارند..... "

روزنامه رسالت چهارشنبه ۶ آذر ۱۳۷۰

□

بقیه از صفحه ۲۳

مبارزه خود را در مقابل این اعمال غیر انسانی شدت بخشیم، و بسا شیوههای گوناگون به هر وسیله ممکن این اعمال وحشیانه امپریالیستها را خنثی و محکوم کنیم. به خاطر این موضوع ما جمعی از ایرانیان مقیم هایدلبرگ به یاری رفقا و دوستان آلمانی دست به جمع آوری کمک مالی برای مردم کوبا زدیم. نا گفته نیست که این حرکت ماههاست توسط نیروها افراد، شخصیتها و اساتید مترقی آلمانی سازماندهی شده و با نام " انرزی برای کوبا" و "شیر برای کودکان" کمک مالی، جمع آوری شده است (بسه نقل از اعلامیه آلمانی).

ما برای پیگیری این امر و بی شک برای نجات جان انسانهای بی‌دفاع در کوبا، می‌بایستی این حرکت انسانی نیروها و افراد را پشتیبانی کرده و به همراه دوستان و رفقای دور و نزدیک خود دست به عمل بزنیم و دیگران را هم به این امر مهم تشویق نمائیم. برای سهولت به انجام رساندن این امر می‌توان همچنان کمکهای مالی را به شماره حساب داده شده در پایین اعلامیه آلمانی که به همین موضوع اختصاصی داده شده است واریز کرد.

جمع همبستگی ایرانیان و آلمانیها با مردم کوبا
 در هایدلبرگ (آلمان)

بقیه از صفحه

۲۰ اخبار

آمریکا و انگلیس در جنگ خلیج فارس از مواد رادیواکتیو استفاده کردند
روزنامه ایندپندنت چاپ لندن به نقل از يك گزارش سری سازمان
انرژی اتمی انگلیس اعلام کرد هواپیماها و تانکهای آمریکایی و انگلیسی
در جنگ خلیج فارس دهها هزار گلوله و راکت حاوی مواد رادیواکتیو را علیه
ادوات زرهی و خودروهای عراقی بکار بردند بطوری که میزان اورانیوم به جای
مانده در ادوات نظامی منهدم شده پراکنده، در بیابانهای کویت و جنوب عراق
به حدود چهل تن تخمین زده می‌شوند.
روزنامه ایندپندنت در ادامه هشدار می‌دهد اورانیوم مورد اشاره از نظر
شیمیایی مسموم کننده و از نظر تشعشعات رادیواکتیو فعال بوده و سلامتی
هزاران نفر را در محلهای آلوده تهدید می‌کند.

تجارت مواد مخدر سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار است

به گفته يك مقام بلند پایه سازمان پلیس جنایی بین الملل (اینترپول) تجارت
سالانه مواد مخدر رقمی در حدود ۵۰۰ میلیارد دلار را به خود اختصاص میدهد.
اقبال حسین رضوی از کشور پاکستان در تهران بیان داشت که سالانه حدود ۳۰ تن
هروئین در جهان کشف و این در حالی است که تخمین زده می‌شود تجارت هروئین
در جهان بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن می‌باشد.
وی که در بیست و هشتمین اجلاس کمنه فرعی مبارزه با قاچاق مواد مخدر در خاورمیانه
و خاور نزدیک سازمان ملل متحد در تهران شرکت کرده بود، گفت: در دنیا بین ۳ تا
۴ میلیون معنادار هروئین وجود دارد.

مطبوعات ایران ۹ آذر ۱۳۷۰

محکمه بین المللی علیه جنایات آمریکا در عراق

رفقای فعالین سچفا در هایدلبرگ ترجمه خبری از روزنامه
"Neues Deutschland" (آلمان جدید) مورخ چهارم دسامبر ۹۱
را برای ما ارسال داشتند که ضمن تشکر از ایشان، و برای اطلاع
خوانندگان به قسمت هایی از آن اشاره می‌کنیم.
مطلب مذکور حاکیست، در روزهای شنبه و یکشنبه ۳۰ نوامبر و اول دسامبر
در شهر اشتوتگارت آلمان اجتماعی برای بررسی جنگ خلیج فارس برگزار شد و
این رویداد تاریخی از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت.
حاضرین توافق کردند که دو تشکل به نامهای "کمیته صلح ۲۰۰۰" و
"جامعه صلح توپینگ" به عنوان نمایندگان آنها در محکمه بین المللی ای
که در تاریخ ۲۹ فوریه ۹۲ در واشنگتن برگزار خواهد شد، شرکت داشته
باشند.

این محکمه بین المللی به کوشش رمزی کلارک وزیر سابق قضایی و دادگستری
ایالات متحده برگزار می‌شود و قرار است "اعلمین، فاتحین و مغلوبین این
جنگ خانمانسوز را به پای میز محاکمه" بکشاند. خود رمزی کلارک در این
ارتباط معتقد است: "آمریکا هر چه که توانست انجام داد تا به هر صورت
ممکن راههای صلح و مذاکره را ما بین عراق و کویت مسدود نماید. برای
اینکه این جنگ را راه بیاننازد و هدایت کند... (ایالات متحده) سکوت
و همراهی کشورهای چون شوروی و مصر را با میلیاردها دلار خریداری کرد
و برای اینکه اعمال قدرت خویش را در منطقه خاور میانه به تصویب رساند،
در مدت کوتاهی سازمان ملل را نه تنها به ابزاری برای جنگ افروزی بلکه
به وسیلهای تبدیل کرد برای پیشبرد يك جنایت جنگی علیه انسانها."

در اجتماع اشتوتگارت نیز گفته‌های فوق تأیید شد و علاوه بر آن خواست
لغو فوری تحریم مواد غذایی و دارو بر علیه مردم عراق مورد تأکید قرار
گرفت. یکی از پزشکان حاضر در جلسه که تا چندی پیش در عراق به سر
می‌برد خاطر نشان ساخت که تنها در سال ۱۹۹۱ بیش از ۱۷۷ هزار

نست. ولی با توجه به تاکنات مجلس و دولت و همچنین گشایشهایی که اخیراً در این
زمینه انجام شده خریدهای صورت گرفته که در حال واردات و ذخیره می‌باشد لذا ما
امیدواریم رستان اسما را با مشکلات کمتری پشت سر بگذاریم..."

وزیر نفت در پاسخ به این سوال که وزارت نفت برای جلوگیری از فاجای فرآوردههای نفتی
تاکنون چه اقداماتی انجام داده است اظهار داشت:

"شرکت نفت اخیراً اقدام به ایجاد يك پمپ بنزین در مرز بازرگان بوده تا مصرف
کنندگان با قیمتی کمتر از قیمت قاچاق بتوانند از فرآوردههای نفتی آن استفاده کنند کمنه
البته در این راه هم کسانی که به طور رسمی و غیر رسمی به کار قاچاق مشغولند با ما
مخالفت می‌کنند."

اما آقا زاده گفت که این کسانی که به صورت رسمی به کار قاچاق مشغولند و آن مسدود
قدرت دارند که جلوی کار او را می‌گیرند، چه کسانی هستند؟ قسمتی دیگر از
صاحبانش: "بخش اعظمی از فرآوردههای نفتی از طریق مرزهای عراق - پاکستان -
افغانستان و حاشیه خلیج فارس قاچاق می‌شود" و می‌افزاید: "روزانه يك میلیون لیتر
کازوئیل از آذربایجان غربی خارج و به قیمت لیتری ۶۰ تومان فروخته می‌شود لذا مشکل
ارومه، مشکل توزیع نیست بلکه مشکل قاچاق است که در حد وسیع صورت می‌گیرد."

این مصاحبه باعث گردید که یکی از خوانندگان رسالت از وزیر مربوطه سوال کند:

۱- با توجه به اینکه کمنه مواد نفتی خریداری و احتمالی در اختیار وزارت نفت ما
شرکت نفت می‌باشد و کمنه مخازن و انبارها در دست آنها است لطفاً بفرمائید از چه
طریق و اسنادی مواد نفتی از اسارها خارج و چگونه بدست قاچاقچیان رسمی و غیر رسمی
می‌رسد؟

۲- تانکرهایی که از انبارهای شرکت بارگیری می‌نمایند متعلق به خود شرکت می‌باشند و
با پیمانکاران مختلف و با متعلق به همسایگان؟

۳- چه کسانی بطور رسمی به کار قاچاق مشغولند؟

۴- آیا وزارت نفت نه در سر حدت بلکه در روستاهای ایران تانکری را متوقف کرد و از
آن استعلام نمود که مواد خود را از کجا و چه انباری و با چه خانگهی و در برابر چه
اسناد و بهائی نامین نموده است؟

خبر آفتاب کوبا است که دیگر احتیاج به تفسیر ندارد. هیچ کس نمی‌تواند باور کند کمنه
شخصی با اشخاصی به غیر از نیروهای دولت بتوانند این کارها را انجام دهند. و این
نشان میدهد که دولت خود عامل اصلی قاچاق مواد نفتی و توزیع ناعادلانه نفت است.

تعلیم از : باسک

زندانیان سیاسی ترکیه دست به اعتصاب غذا زدند.

بیش از ۲۰۰ زندانی سیاسی ترکیه در اعتراض به شکمه و شرایط
نامناسب زندانهای این کشور دست به اعتصاب غذا زدند.

اکین بیردال دبیر کل جمعیت حقوق بشر ترکیه به رویتر گفت: "حقوق-
دان‌های ما متوجه شده‌اند که زندانی‌هایی که به زندان اسکی شهر منتقل
شده‌اند دچار ضرب و جرح شده‌اند."

بیردال گفت ۲۰۵ زندانی سیاسی که در اوایل نوامبر به اعتصاب
پیوسته‌اند دو هفته پیش به زندانهای مختلفی واقع در غرب ترکیه که تدابیر
امنیتی در آن به شدت مراعات می‌شود، منتقل شده‌اند. یکی از خوشاوندان
این زندانی‌ها گفت اغلب این ۲۰۵ زندانی از اعضای حزب جدائی طلب
کارگران کرد و همچنین گروه چریکهای شهری چپ انقلابی هستند.

چهار میلیارد دلار درآمد فحشاء در تابند

تجارت فحشاء سالانه ۴ میلیارد دلار عایدی برای تابند ایجاد می‌کند.
خانم لالتیا پرکسام رازن نماینده سابق مجلس تابند ضمن اعلام این مطلب
رشد عایدات ناشی از فحشاء را در این کشور نگران کننده توصیف کرد.

اخبار

بقیه از صفحه ۱۵

مصاحبه با کمیسر عالی پناهندگی سازمان ملل

اوگاتا: در سفری که تابستان به آلمان داشتیم آقای "شیله" با من در این مورد صحبت کرد و من به او گفتم که ما اطلاعاتمان را در مورد کشورهای مختلف با کمال میل در اختیار دولت آلمان می‌گذاریم.

اشپیگل: پس شما هم ایده تهیه چنین لیستی را مفید و عملی می‌دانید؟
اوگاتا: با این لیست فقط می‌توان چارچوب سیاست پناهندگی را تعیین کرد نه تمام آن را، چون در کشورهای غیر تعقیب کننده هم ممکن است افرادی تحت تعقیب سیاسی قرار گیرند.

اشپیگل: خیلی از کشورهای اروپایی نقشه بستن مرزها بروی مهاجرین را می‌کشند. بعضی از سیاستمداران خیال پیاده کردن افراد مسلح در مرزها را دارند.

اوگاتا: اینگونه نقشه‌ها فایده‌ای نخواهد داشت. افراد در هر صورت خواهند آمد. باید دست به ریشه مشکل گذاشت.
اشپیگل: منظورتان را روشن‌تر بیان کنید.

اوگاتا: در کشورهای اروپایی سه دسته خارجی‌ها داریم: کارگران مهمان، پناهندگان سیاسی و مهاجرینی که فقط به این دلیل تقاضای پناهندگی می‌کنند که راه دیگری برای ماندن ندارند.

اشپیگل: چه نتیجه‌ای از این مسئله می‌گیرید؟
اوگاتا: این کشورها احتیاج به یک سیاست عاقلانه در برخورد با مسئله

مهاجرین و پناهندگان دارند. بعنوان مثال تعیین سهمیه خاصی برای قبول مهاجرین مانند آمریکا و کانادا درست است که این کار تمام مشکلات را حل نمی‌کند اما فشار نادگاههای پناهندگی بروی فراریان واقعی را به مراتب کمتر می‌کند.

اشپیگل: مخالفین این سیاست از این می‌ترسند که با پیاده کردن این مدل هجوم مهاجرین زیادتر شود نه کمتر.

اوگاتا: من اینطور فکر نمی‌کنم چون با این سیاست اوضاع در هم و بر هم حاکم بهبود می‌یابد. کسی که به عنوان مهاجر پذیرفته نشود طبیعتاً هرگز به عنوان پناهنده پذیرفته نخواهد شد. من نمی‌گویم هر کس که آمد باید پذیرفته شود اما باید به انسانها امید داد.

مترجم: بهزاد

کودک عراقی بر اثر کمبود مواد دارویی و غذایی جان خود را از دست دادند و در صورت عدم ارسال این مواد جان تعداد باز هم بیشتری تباه خواهد شد.

حمایت بورژوازی آلمان از سوسیال مسیحی ها

هفته نامه Rote Fahne (پرچم سرخ) مورخ ۷ دسامبر ۹۱ اسامی تعدادی از - بوسات سرمایه داری را که در سال ۱۹۹۰ به حزب دست راستی سوسیال مسیحی (CSU) کمک مالی کردند، منتشر ساخته است. همانطور که می‌دانیم حزب CSU به همراه احزاب نیکرات مسیحی (CDU) و لیبرال (FDP) دولت ائتلافی آلمان را - تشکیل می‌دهند و در این میان CSU در عرصه‌های مختلف و از جمله در مورد سیاست دولت در قبال پناهندگان نسبت به دو حزب دیگر روش راست روانه تری دارد.

لیست منتشر شده در Rote Fahne نمونه طوموسی است از این امر که چگونه بورژوازی آلمان احزاب سیاسی خود را مورد حمایت مالی قرار می‌دهد و این کمک ها البته -سوی کمک های دولتی و مجموعه امکاناتی است که این احزاب در اختیار دارند.

طبق این لیست برخی از مهمترین پشتیبانان مالی CSU در سال ۱۹۹۰ بدین قرار بودند:

۴۰۰۰۰۰ مارک	دایلمر بنز - اشتوتگرت
۳۱۵۰۰۰ مارک	ب-ام-۰۰ - مونیخ
۲۴۰۰۰۰ مارک	اتحادیه (کارفرمایان) صنعت فلز بایرن
۲۳۵۰۰۰ مارک	اتحادیه (کارفرمایان) صنعت شیمی بایرن
۱۵۶۰۰۰ مارک	اتحادیه ایالتی ساختمانی بایرن
۱۴۲۰۰۰ مارک	Deutsche Aerospace - München (شرکت‌خبر دایلمر بنز)
۱۲۰۰۰۰ مارک	Ferency Publiciti Grünwald
۱۱۷۰۰۰ مارک	اتحادیه (کارفرمایان) صنعت ساختمان
۱۰۱۰۷۰ مارک	Fürstlich Oettingen - Wallersteinsche
۹۲۶۸۰ مارک	بانک خصوصی مرک، فینک و شرکا - مونیخ Dominalkanzlei

کک مالی دولت آلمان به راست های افراطی

به دنبال سوال یکی از نمایندگان مجلس از دولت روشن شد که وزارت داخله آلمان -سالیانه سازمانهای راست افراطی را مورد حمایت مالی قرار میدهد. سازمانی به نام "وینتیکون های جوان" تاکنون مجموعاً ۷۲ هزار مارک تحت پوشش "کار عمومی فرهنگی" از دولت آلمان کمک مالی دریافت کرده است. این سازمان محل تجمع تعداد زیادی از اعضای گروه نئوناشیستی NPD (حزب ناسیونالیستی آلمان) محسوب میشود.

"وینتیکون های جوان" سالخ دریافتی از وزارت داخله را صرف برگزاری سیمینارها و اجتماعاتی کرده‌اند که در آنها دیدگاههای راست افراطی تبلیغ و ترویج شده است.

جدیدترین این نوع سیمینارها " جلسه فرهنگی " ای بود که در روزهای پنجم تا هفتم ژوئیه گذشته برگزار شد و در آن تعدادی از نئو ناسیونالیست های راست افراطی سخنرانی نمودند. همچنین طبق گزارش نهاد حفاظت از قانون اساسی، در جلسه مذکور اعضای "کمیته تدارک جشنهای صمدین سال تولد آدولف هیتلر" با یکدیگر ملاقات نموده و سه بحث و تبادل نظر پرداختند.

مبع خبر: دی تاگی تسایونگ

۱۹۹۱/۱۲/۷

بیانیه زیر توسط رفقای هایلدبرگ بمستان رسیده است که بنا به درخواست رفقا عیناً آنرا در این شماره نشریه به چاپ می‌رسانیم.

محاصره اقتصادی دولتهای امپریالیستی (آمریکا) بر علیه مردم کوبا را محکوم می‌کنیم.

انسانهای آزاده!

هدف از نوشتن این اطلاعیه، وجود شرایط اقتصادی سختیست که بر اثر محاصره اقتصادی آمریکا و همپیمانانش بر علیه کوبا پدید آمده است. با در نظر گرفتن سیاست جهانخوازی امپریالیستها بخصوص آمریکا و همچنین کاهش معاملات اقتصادی شوروی با کوبا (از طرف شوروی) شرایط اقتصادی و فشارهای ناشی از این محاصره روز به روز مردم کوبا را تحت فشار بیشتری قرار داده و میدهد. کمبود شیر برای کودکان، کمبود انرژی (نفت و مواد سوختی) برای صنایع و کشاورزی، پائین آوردن قیمت شکر (محصول درجه یک برای کوبا) توسط کمپانیهای بین‌الملل، بایکوت کردن معاملات اقتصادی از طرف آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی و در نهایت به کرسنه کشاندن و به زانو در آوردن مردم کوبا عاملی شده است تا روز به روز فقر و فلاکت بیشتری بر مردم تحمیل شود. در چنین شرایطی که تعرضات جهانخوازان امپریالیست زندگی را بر مردم تلخ نموده است، ما را بر آن می‌دارد که

اعتراض شورای پناهندگان ایرانی در یونان بر علیه سفر ولایتی به این کشور

علی اکبرولایتی، وزیر امور خارجه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، بدون اطلاع قبلی عصر روز ۱۷ نوامبر ۱۹۹۱، وارد آتن شد.

شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - یونان، که در آن روز در مراسم مردمی سالگرد ۱۷ نوامبر (۱) شرکت کرده بود، به محض کسب خبر از ورود ولایتی، با تحرك و حدیث شایسته‌ای (علیرغم ناگهانی بودن این مسافرت) با تدارک و حمل پلاکاردهایی که بر روی آنها شعارهای "علی اکبر ولایتی گورت را کم کن" و "حنانت کاران نماد نه اینجا بیاند" نوشته شده بود، اعتراض پناهندگان و آوارگان ایرانی را نسبت به این سفر به اطلاع شرکت کنندگان در مراسم رساند.

همچنان روز بعد از این مسافرت (۹۱/۱۱/۱۸) شورای پناهندگان در مصاحبه‌ای با یکی از ایستگاههای رادیویی یونان شرکت نمود و مجدداً - اعتراض پناهندگان را نسبت به این سفر به گوش مردم یونان رساند.

در این مصاحبه نماینده شورا ضمن محکوم نمودن مسافرت ولایتی به یونان، هر گونه همکاری با رژیم جمهوری اسلامی را تخطیح کرد، و توضیحاتی پیرامون اوضاع داخلی ایران و شرایط پناهندگان ایرانی بیان نمود.

۱- در ۱۷ نوامبر به عنوان روز دانشجو و نیز روز سقوط حکومت نظامی سرهنگ ها (در سال ۱۹۷۳) همه ساله مراسم با شکوهی برگزار میشود.

در این مراسم که از ۱۵ نوامبر آغاز میشود، نیروها و احزاب سیاسی با برپایی میز کتاب در خیابانهای اطراف دانشکده پلی تکنیک آتن و همچنین بخش اطلاعات و پوسترهای مختلف، نظرات و مواضع خود را تبلیغ میکنند و سرانجام، این مراسم با برگزاری رانیمایی در روز ۱۷ نوامبر از مقابل دانشکده مذکور تا مقابل سفارت آمریکا، پایان میپذیرد.

در مراسم سال ۹۱، شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - یونان نیز شرکت نموده و با این عمل، همبستگی خود را با مبارزات ترقی خواهانه مردم یونان اعلام نموده بود. □

توجه

در زمانی که یویش برای چاپ آماده میشد، گزارش مفصلی از یکی از رفقای آلمانی به نام برنهارد دریافت کردیم. این گزارش ۱۳ صفحه‌ای در مورد وضعیت آن دسته از پناهجویانی است که از ترس حملات فاشیستها از شرق آلمان به چند شهر غرب آلمان آمده و در حال حاضر در شرایط دشواری به سر می‌برند.

ما به دلیل کمبود وقت متأسفانه موفق نشدیم در این شماره یویش از مطالب این گزارش استفاده کنیم. امیدواریم بتوانیم در شماره آینده از بخشهایی از آن بهره جوییم. □

گزارشی از آکسیونهای پناهندگان

ایرانی در ترکیه

۱۰ ☞

مصاحبه با کمیسر عالی پناهندگی سازمان ملل

۱۵ ☞

در صفحه ۱۷



۱۸ ☞

خانه های رسیده



با یویش

همکاری کنید

Solidaritätsverein mit
iran ischen Voelkern
Postfach 5311
3000 Hannover 1
Germany

شماره حساب بانکی
Solidaritätsverein
mit iranischen Voelkern
Stadtsparkasse Hannover
KTO : 501336
BLZ : 25050180
W - Germany

زنلانی سیاسی آزاد باید گردد